

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارتگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۵ تیرماه ۵۹ شماره ۶۹ تک شماره ۱۰ ریال

شصتمین سالروز ایجاد حزب کمونیست ایران

دومین قسمت این سخنرانی را دربارهٔ درسهای حزب کمونیست ایران و وظایف حزب ما در ارتباط با شکل توده‌ها و تلفیق تئوری و پراتیک، در صفحه ۴ میخوانید.

سخنرانی
رفیق علی صادقی
عضو کمیته
مرکزی حزب
رنجبران ایران

بی آبی
تولید برنج
در مازندران را
در معرض خطر قرار داده است

تفنگداران نیروی «ویژه ضربتی» آمریکا دو برابر افزایش می یابد

تسلیمات نظامی مربوط به مأموریت خود در ۷ کشتی در فلوریدا میباشند. این تسلیمات شامل تانکهای ام - ۶۰، توپهای سنگین ۱۵۵ میلیمتری، مهمات، تراکتور و مواد غذایی می باشد. دو کشتی "زوبیت" و "منهاور" تا ماه آینده به طرف جزیره دیگو گارسیا در اقیانوس هند حرکت خواهند کرد. همچنین دولت آمریکا با کارخانه کشتی سازی آمریکایی قرارداد ساختن ۸ کشتی ویژه حمل تسلیمات وابسته به "نیروی ضربتی" را امضا نموده است.

تسلیمات نظامی ابرقدرتها هر روز گسترش می یابد و جهان را در آستانه جنگ جهانی سوم قرار داده است. تجاوز نظامی امپریالیسم شوروی به افغانستان سرآغاز دوره نویی در تدارک جنگ جهانی سوم میباشد. امپریالیسم آمریکا نیز در قباله با تهاجم گسترده شوروی در قسطنطنیه و بیوزنه در حوزه خلیج فارس بیوسته زرادخانه خود را تقویت میکند.

طبق گزارش خبرگزاری رویتر قرار است در این هفته گارتز از کنگره آمریکا اجازه افزایش نفرات "نیروی ویژه ضربتی" را دریافت کند. "نیروی ویژه ضربتی" که از سال گذشته شکل گرفته از واحدهای ۱۰۱ و ۸۲ هوایی ارتش، و واحدهای ۲۴ مکانیزه ارتش وازیک واحد ۵ هزار نفری تفنگدار دریایی - زمینی تشکیل شده است. تعداد کل نفرات نیروی ضربتی هم اکنون ۱۰۰ هزار نفر میباشد که بنا بر اجازه جدید به ۲۰۰ هزار نفر خواهد رسید.

فرمانده کل "نیروی ویژه ضربتی" سرتیپی بنام بی. ا. کس. کلی میباشد که از اوایل اسفند ماه گذشته فرماندهی خود را به شهیر نامیادار ایالت فلوریدا انتقال داده است، حوزه مأموریت نیروی ضربتی در مواقع بروز خطر در اقیانوس هند و خلیج فارس میباشد. هم اکنون سربازان و تفنگداران وابسته به این نیرو در حال باز کردن

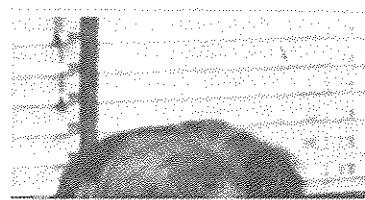
طبقه کارگر، مبارز پیشرو راه استقلال

بخاطر استقلال قرار گیرد. سه نکتهی فوق را یک بیک توضیح میدهم:

۱- شور و شوق و بطور بیکر پیاده نمود. ۲- یک سندیکالیست و شورا چی خوب را باید تا سطح یک رهبر سیاسی خوب ارتقاء داد. ۳- یک کارگر آگاه حزب رنجبران باید نمونه و سرمشق در کلیه زمینه ها باشد و در پیشاپیش صفوف مردم در مبارزه علیه امپریالیسم و

سئوالی بود از ما که یک کارگر عضو حزب رنجبران ایران چگونه باید مناسبات دو تضاد بین کارگران و حاکمین کارخانه و تضاد بین کسب کارخانه و امپریالیسم و عمالشان را به خوبی حل کند؟ برای پاسخ به این سئوال مجبوریم روی سه نکته انگشت بگذاریم:

سخنان شمس آل احمد درباره انقلاب فرهنگی



هدف، از بین بردن فرهنگ سلطه آمر و استعماری غرب و شرق

۱- در جامعه ما مبارزه طبقاتی را باید تا سطح مبارزه سیاسی طبقه کارگر علیه امپریالیسم و عمالشان گسترش داد و برنامه‌ی حداقل حزب را بعنوان وظیفه آنی و مرحله‌ای با

عمال روس علیه جنبش اسلامی توطنه می کنند

سخنان مهم امام



در صفحه ۶

تجاوز ویتنام به تایلند توسعه طلبی با تحریک و پشتیبانی امپریالیسم روسیه

منطقه‌ای ویتنام با موافقت، پشتیبانی تحریک و کمکهای نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی انجام میگردد. هدف شوروی سلطه بر جهان است و از طریق مزدوران یا همدستان خود در کوبا و ویتنام و با تجاوز نظامی مستقیم، کشورهای دیگر را بر زیر سلطه خود در آورده و مناطق نفوذ خود را گسترش میدهد.

روز دوشنبه این هفته رژیم هائوی با تحریک و پشتیبانی روسیه طبقه دیگری از سیاستهای توسعه طلبانه خود را در هندوچین، بنمایش درآورد. اخبار منتشره از سوی خبرگزاریها حاکی است که ارتش مزدور ویتنام از خاک کامبوجیای اشغال شده به خاک تایلند تجاوز نموده و چندین نقطه در امتداد مرز بین دو کشور، در نزدیکی شهر "آرانی آیرات" را مورد هجوم قرار داده است. به گفته مقامات

تجاوز اولیه ویتنام به تایلند هشدار است به کلیه ملل و کشورهای

بهبشتی، دبیرکل حزب جمهوری اسلامی ایران، و فرخ نگهدار و مصطفی مدنی، اعضای رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) منتشر گردید. در این مذاکرات، دو تن رهبران غاصب سازمان چریکها صحبت از جو اعتماد و اطمینان به دولت جمهوری اسلامی کرده و تمایل خود را برای انتقال این جو اعتماد به مردم کردستان ابراز نموده و تعهد میکنند "حالت جنگ را از بین ببریم و آتش بس را برقرار سازیم". و حتی تعهدی هم در مقابل گروه‌هایی که مسئولیت کمتری بخواهند احساس کنند به عهده می‌گیریم". البته در مقابل، آنها خواست خود را از قبیل آزاد کردن انتشارنشریه "کار" و آزاد کردن فروشندهگان این نشریه که اخیر دستگیر و بازداشت هستند... مطرح میکنند و وعده میدهند که در صورت برآورده شدن این خواستها میتوانند چرخش نوبنی در اوضاع کردستان بوجود آورند.

بدین ترتیب، اکثریت تعهد میکند که اگر به خواستههای آنها جواب مثبت داده شود، حاضر است نقش زاندارم کردستان را بعهده بگیرد و نه تنها تفنگ‌های خود را بلکه همچنین تفنگهای دیگر گروهها را نیز ساکت کند. خواست آنها هم در یک کلام میتواند خلاصه شود: به رسمیت شناختن سازمان چریکها به‌مثابه یک سازمان قانونی و مورد حمایت دولت جمهوری اسلامی.

منظور رهبری غاصب سازمان چریکها از این بده بستان سیاسی چیست؟ رهبری غاصب سازمان چریکها که ماهها همچون چماق در دست روسها و عمالشان علیه دولت ملی و انقلاب در کردستان نقش بازی کردند همچنان نقش خود را به‌مثابه چماق تهدید و ارعاب ادامه میدهند. آنها آشکارا اعلام میکنند که شرط آرام گرفتنشان تسلیم دولت به خواست‌های آنان است، در غیر اینصورت چرخشی در کردستان نمیتواند پدید آید.

لکن چنین بنظر میرسد که دکتر بهبشتی در مذاکرات تاحدودی به نمایش حسن نیت "آقایان نگهدار و مدنی باور دارد زیرا حاکمین ما از مدتی پیش تمام تمرکز خود را در مبارزه با سازمان چریکها بر روی خلق سلاح آنها فرار داده‌اند (مناظره تلویزیونی بنی صدر تماما این هدف را تعقیب میکند). اکنون که اکثریت سازمان این چنین‌ریاکارانه به دفاع از جمهوری اسلامی برخاسته و خود را طرفدار سینه جاگ مذاکره و

تحمیل ایدئولوژی خاص در دانشگاهها يك روش غير اسلامي است



شمس آل احمد در گفتگوی با خبرنگاران سازمان اطلاعات و رنجبر

شمس آل احمد عضو ستاد انقلاب فرهنگی (شورای منتخب امام) طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران رنجبر، اطلاعات و پیامداد در مورد انقلاب فرهنگی گفت که هدف انقلاب فرهنگی از بین بردن فرهنگ سلطه‌گر و استعماری غرب و شرق است. وی افزود: "در صدهاستیم بجای فرهنگ سلطه‌گرو استعمارگر غرب و شرق که در سابق حاکم بود و قدس ساختن آدمهای پول پرست، مادی‌گرا و بقول هشترودی عدد اندیش، فرهنگ اسلامی را اساس قرار بدهیم، یعنی ساختن انسانهایی که آن هسته الهی و آسمانی تقویت بشود نه آن هسته حیوانی و مادی، یعنی پهادان به ارزشهای معنوی انسان.

آل احمد در مورد بسته شدن دانشگاهها گفت که انقلاب فرهنگی صرفاً "بایستن دانشگاهها تمام شده نیست و انقلاب فرهنگی در کلیه سطوح و ابعاد آن بعنوان یک وظیفه مطرح است و میدانیم که باید حرکت آن تند و سریع باشد، امامی خواهیم که قدمهای ما متین و محکم باشد و از سر بصیرت و آگاهی ممکن است که این امر حرکت ما را از سرتاء خیر نشان بدهد ولی من معتقدم که دیر رسیدن بهتر است از هیچ نرسیدن"

کشور ما حلقه استقبال همه‌کشورهای منطقه است

آل احمد ضمن تاءکید بر لزوم طراحی و برنامه‌ریزی و محاسبات ممکن در انقلاب فرهنگی افزود: "من احساس می‌کنم که کشورمان در مرز تصادم و توافق قدرتهای شرق و غرب است. میدانیم که کشور ما حلقه استقبال همه کشورهای منطقه بویژه کشورهای مسلمان منطقه است. بنابراین یک حرکت شتاب آهنگ ویا لغزش ما چگونه می‌تواند این جهانشمولی که در نظرات انقلاب ما وجود دارد، پاسخ بدهد.

شمس آل احمد در دنباله سخنان خود فعالیت‌های ستاد انقلاب فرهنگی را که تاکنون صورت گرفته است چنین بیان نمود: "۱- شناختن تمام فعالیت‌های فردی و گروهی که قبل از انتخاب این ستاد انجام شده است. برای پرهیز از دوباره‌کاری و کسب بصیرتی بیش از آنچه

دشمنان انقلاب در اهواز

شیراهواز عرادار است. عصر روز سه‌شنبه سوم تیرماه یک یبب قوی در خیابان خمینی اهواز بیش چهار راه سعدی که از نقاط پررفت و آمد شهر اهواز می‌باشد، منفجر شد و در اثر این انفجار ۹ تن کشته و حدود پنجاه نفر زخمی شده‌اند. این تلاش مذبوحانه و جنایتکارانه ضد انقلاب، از جانب خدمتکاران دوا بر قدرت و عمال رژیم جنایت پیشه بعث عراق است که مخفی از چشم مردم ولرزان از وحشت خود از نوده‌ها هر روز در گوشه‌های حادثه جنایت باری می‌آفرینند.

ضد انقلاب بی‌پهوده و مذبوحانه تلاش می‌کند. مابهمراه همه هم میهنان خود این جنایت هولناک را محکوم میکنیم. و بسا بازماندگان شهدای این فاجعه و اهالی اهواز تسلیت میکنیم. مامطمئن هستیم که اینگونه اقدامات در عزم آهنین مردم میهن ما برای ادامه مبارزه در راه استقلال و ترقی و مبارزه علیه دوا بر قدرت سلطه جو و عمال آنها و علیه بس مانده‌های ارتجاع و ضد انقلاب هیچگونه خللی وارد نمیشود.

روز دوشنبه درمطلب "بان‌ماک‌سون" واقع در خاک تایلند آغاز شد و در جریان آن هفت سرباز تایلندی زخمی شدند. نیروهای تایلندی ده‌دهدهی "گوک‌سونگ" در ۹ کیلومتری مرز کامبوجیا تایلند را مجدداً به تصرف خود درآوردند و ویتنامی‌ها را تا پشت مرز عقب نشاندند. بنا بر گزارش خبرنگار راپها ویتنامی‌ها شانزده هزار سرباز از گردان یازدهم خود را به مرز فرستاده‌اند.

پس از تجاوز به خاک تایلند، ویتنامی‌های توسعه طلب طی یک اطلاعیه، تایلند را متهم به فرستادن کماندو به خاک کامبوج نموده‌اند!! و فاسیستی‌ترین تبلیغات را برای موجه جلوه دادن تجاوز خود آغاز نمودند. مشابهین تبلیغات با تبلیغات یک سال و نیم قبل ویتنامی‌ها، قبل از حمله به خاک کامبوج به روشنی آشکار است. همین شیوه وسیع تبلیغاتی ردیلا نه را در مورد تجاوز روسیه به خاک افغانستان نیز مشاهده کرده‌ایم.

اما هدف ویتنامی‌ها از تجاوز به خاک تایلند چیست؟ قدرت حاکم در ویتنام یک قدرت توسعه طلب منطقه‌ای میباشد. هدف آنها حاکمیت و سلطه بر کلیه کشورهای هندوچین میباشد. هدف اولیه اشغال کامبوج بود که سال گذشته انجام گرفت. لائوس را بصورت مسالمت آمیز تحت تصرف خود درآوردند و اینبار نوبت به تایلند میرسد. توسعه طلبی

عزیز نصیری را آزاد کنید

یکی از رفقای حزب در هنگام فروش رنجبر بایکی از آشنایان رفیق زندانی ما عزیز نصیری برخوردی داشته که بسیار آموزنده است و مادر زبیر می‌آوریم:

عصر ۳۱ خرداد حدود ساعت هفت و نیم بعد از ظهر در خیابان بوعلی (دیواندره) رنجبر می‌فروختم جوانی نزد من آمد و گفت: آقا بیخشد شما عزیز نصیری خبری ندارید؟ جواب دادم: جراح حدود بیست روز پیش در دیواندره دستگیر شده. گفت: من شنیدم که همراه بایکی از دوستانش (محمدنوری) که او هم معلم است و باهم دستگیر شده‌اند گشته‌اند. گفتم: تا آنجا که ما خبر داریم اینطور نیست و رفیق ماهنوز در زندان است. بعد پرسیدم که رفیق عزیز را از کجا می‌شناسد. گفت او معلم من است و سه سال است که او را میشناسم اگر این دولت او را کشته‌باشد واقعا باعث خشم من خواهد شد، چون آن موقع که عزیز مبارزه میکرد خیلی‌ها که الان ادعای انقلابی بودن دارند

بیداشون نبود. بعد از انقلاب همه دوستانش یابه "کومه" پیوستند یا به دمکرات و فدائی، ولی تنها عزیز بود که روی خط می‌نموده‌ای استوار ماند به آن وفادار ماند. مردم دیواندره خیلی عزیز را دوست دارند. از وقتی که شنیده‌ایم کشته شده همه مردم ناراحت و عصبی هستند.

به دنبال دریافت این نامه و شرح گفتگوی ساگرد عزیز و رفیق حزبی ما، صبح امروز از رفقای آذربایجان خبری موقی درباره سلامتی عزیز دریافت داشتیم. رفقای ما که همه زندانیان را به‌دقت گشته‌اند، رفیق عزیز را در زندان زنجان یافتند. حال رفیق خوب است و ما امیدواریم گسه بزودی آزاد شود و همه دوستان و رفقای خودش از نگرانی درآید. یادآوری میکنیم که حزب ما نسبت به بازداشت غیرقانونی و کاملاً بی‌دلیل رفیق عزیز نصیری اعتراض نموده و خواستار آزادی فوری وی شده‌است.

حمله نظامی به تایلند نخواهد بود و ادامه خواهد داشت. وظیفه کلیه کشورها و کلیه نیروهای سیاسی آگاه، محکوم نمودن این تجاوز میباشد.

قیمت دولتی گندم و مقاومت گندم کاران

در صفحه ۳

مصاحبه با مجاهدین افغانی:

جنبش افغانستان احتیاج به کمک همه جانبه دارد

دوشنبه دوم تیرماه جهت اطلاع یافتن از آخرین تحولات اوضاع افغانستان و انعکاس آن در رنجبر و آشنائی بیشتر با مبارزین افغانی بدفتر یکی از گروههای مجاهد افغانی بنام "جمعیت علمای حرکت انقلاب اسلامی افغانستان" رفتیم! این مجاهدین که قبلاً در صحنه‌های نبرد علیه تجاوز و کاران روسی جنگیده‌اند در یک خانه محقر و قدیمی در جنوب شهر و بطرز ساده‌ای زندگی میکنند. ما معاچه‌ای با نماینده دفتر ایشان جمعیت بعمل آورده‌ایم که قسمت‌هایی از آنرا در زیر می‌آوریم:

نصفه در صفحه ۵

گزارشها... و «پاسخ» مسئولین

پس از چاپ گزارشات راجع به وضع زحمتکشان شهر یا روستا، نامه‌هایی از طرف مسئولین سازمانهای دولتی به دست ما میرسد که طی آن، ضمن اذعان به مسائل و مشکلات موجود، با آوردن عناوینی از قبیل: "اقدام خواهد شد"، "در دست اقدام است"، "منوط به"، "تعیین اولویت‌ها"، "پس از تأمین

قبول بکنند که وقتی بعلت نبودن راه درست و حسابی در روستاهای کشور، چندین زن حامله بعلت عدم دسترسی به زایشگاه از بین میروند، نباید به "تأمین اعتبار" و "منوط به تعیین اولویت‌ها" و بهانه‌های بوروکراتیک مشابه اینها توسل جست و از زیر بار مسئولیتی که در قبال مردم و درمورد روستای

قصر قمه (پشت قصرالدشت)

در چهار فرسخی شیراز واقع است و حدوده ۱۰۰ خانوار جمعیت دارد. برق و آب لوله کشی دارد، ولی راه درستی ندارد. روستا فاقد امکانات بهداشتی و درمانی است و تا به حال چندین زن حامله به علت عدم دسترسی به زایشگاه از بین رفته اند. به اظهار اهالی: " هر چه هم نامه

نوشتیم هیچ کس به ما رسیدگی نکرد". محصول عمده روستا گندم و جو دیم و سیده (سیاه - درخت) است و اگر باران ببارد وضع محصول خوب است. اهالی میگویند: " مالک های شیرازی قنات های علت عدم دسترسی به زایشگاه و به ما اجازه نمیدهند که اینجا چاه بزنیم ..."

"نقل از رنجبر شماره ۴۳"

روزنامه محترم رنجبر

مخالف به مطالب مندرج در شماره ۴۳ مورخ ۱/۳۱/۵۹ تحت عنوان " پشت قصرالدشت " و حاجی آباد (داراب) با اطلاع میرساند که ساختمان راهبهای روستائی منوط به تعیین اولویت از طرف فرمانداری و بخشداری استان میباشد که پس از تأمین و ابلاغ اعتبار نسبت به احداث راهبها مذکور اقدام خواهد شد .

علی دادرس
سرپرست دفتر اطلاع و روابط عمومی

بقیه از صفحه ۱
" سخنان شمس آل احمد ..."

که تاکنون داشته‌ایم .
۲- ماهفت نفر آدم هستیم با ۷ سن وسال مختلف و تربیتها و شیفتگی های مختلف نسبت به آرمان و مکتب وحی دارای تعابیر و زبانهای مختلف . پس ما لازم دیدیم که خودمان را یکن یک فرد و یک بیان بسازیم . ماسعی می کنیم که در هر جلسه باورهای اساسی ما را در مورد مقولاتی مثل انقلاب و فرهنگ و مکتب و اسلام نزدیک بهم کنیم .

وی درمورد ضرورت این امر افزود که شما علت این نیازمندی را در تجربه خودتان دیده‌اید و کسی نمی توان دید که بگوید مثلا " من در خط امام نیستم ، اما که با مشاهده به تفاوت نیروهای پیرو خط امام به اعجاب می افتید . ما هم بعنوان پیروان خط امام این ضرورت را احساس می کنیم که باورهای خودمان را در این مورد یکی بکنیم . یعنی باورهای خودمان را در مورد خط امام مشخص بکنیم .

دانشگاهها تار سیدن به یک نتیجه معینی تعطیل نخواهد بود

آل احمد در جواب به سؤال یکی از خبرنگاران در مورد تعطیلی دانشگاهها افزود که فرض بکنیم که یک دردمندی داریم از بستگان خود

ما هیچکدام از ماها پزشک نداریم آیا بنظر شما چه باید بکنیم ؟ ... خبرنگار جواب میدهد که باید یک پزشک بیاریم - آل احمد می افزاید که ما منتظر نمی مانیم که پزشک برسد . انقلاب فرهنگی را این ستاد وحشی دانشجویان شروع نکردند . بلکه همین مردم شروع کردند . اما در مورد تعطیل شدن دانشگاهها باید گفت که در آن روزهای اردیبهشت یک فریادهای آنی و آلتهایی نیز وجود داشت که همگی شماها از آن اطلاع دارید . باین دلیل آمدند و دانشگاهها را در قیل از ۱۴ خرداد ماه تعطیل کردند . اما این به آن معنی نیست که تار سیدن بیک نتیجه معین دانشگاهها تعطیل باشند .

آل احمد افزود ، ما میدانیم که هم اکنون در حدود ۱۷۰ هزار دانشجوی ۲۰ هزار استاد در دانشگاه داریم . اگر دائما " دانشگاهها را تعطیل بکنیم این نیروها در کجا جذب بشوند . از طرف دیگر در حدود ۷۰۰ هزار نفر برای رفتن به دانشگاه امید مند هستند . و با این کار ۱ میلیون خانواده رانا امید و نوگران خواهیم کرد . باید به

باید کلیه نیروها در پیشبرد انقلاب فرهنگی کمک بکنند .

آل احمد در جواب به این سؤال خبرنگار ما که انقلاب فرهنگی در مورد این طرز تفکر بعضی ارگانهای مملکتی که بدون جایگزین کردن یک فرهنگ اصیل و مردمی سیاست نفی آنرا اتخاذ می کنند چه برنامه‌ای ارائه خواهد داد ؟ افزود :

" انقلاب فرهنگی به این معنی نیست که این ۷ نفر بنشینند و برای جامعه قانون مقررات تعیین بکنند . ما طی اطلاعیه‌ای به تمام انجمن ها و نیروهای که دارای افکار و عقاید دیگری نیز هستند اعلام کرده‌ایم که بیایند و برنامه‌ها و طرحهای خود را در مورد انقلاب فرهنگی ارائه بدهند . ما متقاضی هستیم که حتی حوادث انقلاب فرهنگی چین را بدانیم و بدون اینکه از دیگران کینه بکنیم ببینیم که احتیاجات جامعه ما چیست ؟ انقلاب فرهنگی یک تغییر نسل در تمام زمینه‌هاست . در راه بود و تلویزیون در روزنامه‌ها و در کلیه فعالیتهای فرهنگی و هنری . این منابع باید خوراک فرهنگی مردم ما را تأمین بکنند . ما باید در امور فرهنگی خود کفا بشویم ولی این امر احتیاج به زمان دارد .

آل احمد افزود که در جامعه ما روشنفکران و دانشجویان سارتر و گوست گنت را می شناسند ولی این سینا ویا ابن خلدون را نمی شناسند . این مسائل وقت می خواهد و اینها را نمی توان یک روزه حل کرد ...

آل احمد در جواب به سؤال دیگر خبرنگار رنجبر افزود که در صورت احترام به چهار جوبه قانون اساسی کلیه گروهها باید به فعالیت خود بپردازند . اما نمیتوان بیک گروه مشخص توجه خاصی بشود و نباید ایدئولوژی خاصی در محیط دانشگاهها بردیگران تحمیل گردد . این امر اسلامی نیست و انسان ها حقیق دارند که در این مورد نگران بشوند .

ستاد انقلاب فرهنگی یک ارگان اجرائی نیست

شمس آل احمد در ادامه سخنان خود در مورد ستاد انقلاب فرهنگی تا آنکه بگوید که : " این ستاد یک ارگان اجرائی نیست و به قول برادرم آقای حبیبی جنبه مولائی و یا مقام مشورتی دارد . حضرت امام در جریان کارها به این امر توجه کرده‌اند که مادر این مورد تحقیق بکنیم و نتیجه آنرا در اختیار اسام

بقیه از صفحه ۱
" عمال روسیه علیه ..."

صلح نشان میدهد ، این حقیقت میتواند بیشتر از همیشه فراموش شود که رهبری غاصب ابزاری است در دست سیاست خارجی روسیه و در خدمت پیاده کردن برنامه‌های امپریالیستی آن .

یکی از مولفهای اصلی این سیاست ابر قدرت روسیه اینست که در کشوری که قصد تجاوز به آن و اشغال آن ویا بطور کلی سلطه بر آن را دارد ، در گذشته ستون پنجم و عامل شوروی به رهبری حزب توده در خارج و به جاسوسان شوروی در دم و دستگاه شاه در داخل خلاصه میشد . پس از پیروزی انقلاب ، رهبری حزب توده به داخل کشور منتقل شد و شوروی به ناگهان و از قبل خون های ریخته شده مردم ما دارای عاملان علنی و آزاد در درون کشور گردید . از آن پس ، شوروی یک فعالیت شدید و منظم سیاسی - جاسوسی را برای تحکیم و گسترش ستون پنجم خود آغاز کرد که خطوط اساسی آن به قرار زیر است :

۱- در آغاز ، هسته اصلی و سخت عاملین بلا قید و شرط خود یعنی باند کیانوری را در رهبری حزب توده تحکیم نمود و بر مقدرات حزب کاملا مسلط نمود . باندهای دیگر مانند باند اسکندری و طبری و حتی عمویی که باصطلاح " افتخار " رهبری حزب است کنار زده شدند و نقش آنها بیش از پیش به نقش نمایشی تقلیل داده شد . تثبیت باند کیانوری بمطابق مهره کاملا سرسپرده مسکو در درون کمیته مرکزی حزب ، اطاعت بی چون و چرای حزب را از مسکو تضمین نمود .

۲- در همان حال ، از این مرکز یک شبکه وسیع رخنه و نفوذ و توطئه برای ایجاد اشعاب به درون سازمان های مختلف سیاسی و نیز ارگانها و نهادهای دولتی شروع به گسترش نمود این فعالیت اشعابگرانه هم اکنون در رهبری غاصب چریکها و در حزب دمکرات به نتیجه منتهی شده است و مقدمات یک جبهه متحد روسی فراهم گردیده است .

۳- باند کیانوری فعالیت اشعابگرانه خود را همچنان ادامه میدهد . هدف از ادامه آن ، صرف نظر از خوردن بعضی گروههای متزلزل و پراکنده " چپ " (مانند " راه کارگر " و " پیکار ") اساسا بلعیدن بخشهایی از جنبش اسلامی است . وجود نیرو های اسلامی در جبهه متحد روسی

اخبار نیروهای سیاسی

اتحادیه کمونیستها: اکثریت چریکها در دام سوسیال امپریالیسم

اتحادیه کمونیستها ایران طی اعلامیه‌ای به تاریخ ۲۹ خرداد خطاب به اعضا و هواداران سازمان چریکها ، اشعابات و انحرافات اخیر سازمان را ناشی از " نزدیکی هر چه بیشتر اکثریت رهبری به حزب توده و ابر قدرت روس " می داند .

اتحادیه سیر تدریجی تسلیم فدائیان را در برابر روسیه نشان داده و میگوید : " اگر زمانی بحث بین دو خط مشی مارکسیست انقلابی از یکسو و رویزیونیسم ارتجاعی از دیگر سو در جنبش موجود بود و جریانی نمیتوانست برای مدتی موضعی " وسط " اتخاذ کند ، این بحث در تکامل خود به بحث میان انقلاب و ضد انقلاب و امپریالیسم بدل گشته و موضع وسط اتخاذ کردن سرانجام آن چیزی است که می بینیم . یعنی سمت گیری کردن با یک کشور امپریالیستی " (روسیه)

" اتحادیه کمونیستها " به تهاجم شوروی در آنگولا اتیوپی و اریتره و افغانستان اشاره کرده و میگوید :

" بحث در مورد شوروی ... دیگر بحث صرفا " تئوریک نبوده و صورت عملی بخود گرفته " .

در آخر ضمن تاءکید ضرورت اتکاء به نیروی خود ورد تکیه به آمریکا و شوروی

اعتبار" و غیره از زیربار مسئولیت‌ها شانه خالی کرده و خود را "راحت" میسازند. گزارش‌های بیرونی وزارت راه و ترابری یکی از این نمونه‌هاست.

اینگونه "پاسخ‌ها" میتواند به دو دلیل باشد: اول اینکه جوابی به گزارش چاپ شده داده نشده باشد و نشان بدهند که "مسئولین امر" به فکر مردم و حل مسائل و مشکلات آنها هستند و..... در نتیجه جای هیچگونه نگرانی نیست! که اینکار یک نوع "انجام وظیفه" است که در چارچوب نظام بوروکراسی دولتی انجام میشود.

دوم اینکه نوشتن این گونه پاسخ‌ها بخشی از کار روزمره این "مسئولین" است و دفاتر اطلاعات و روابط عمومی وزارتخانه‌ها با تهیه و ارسال اینگونه جواب‌های واقع به فکر تهیه گزارش کار روزانه خود هستند تا آن را به عرض مقامات بالاتر برسانند! که اینکار نشان دهندهی وجود "بوروکراسی مضاعف" در ادارات دولتی است.

مسئولین امر "باید" دومین پاسخ‌ها را نیز در اختیار کارکنان قرار دهند تا در صورت لزوم بتوانند از آنها دفاع کنند. پس از تأمین اعتبار "غذای" به مردم نمیخورد.

بقیه از صفحه ۱ "طبقه کارگر،...."

حتی کارگران آگاه، اکثراً وغالباً دربارهی سوءاستفادهی کارفرمایان، حمایت دولت از کارفرمایان و پشتیبانی کمیته‌ها و یا پاسداران از حاکمین کارخانه‌ها صحبت در میان است. مسأله کارگران، مسایل اقتصادی، معیشتی و رفاهی است وعده‌های هم پس از انقلاب کوشش همه جانبه بکار برده‌اند تا طبقه کارگر را "سرگرم" همین مبارزه نمایند.

سومین اجلاس کمیته مرکزی حزب مادر نشست خود در رابطه با عوامل منفی در اوضاع کنونی روی "نفوذ ایدئولوژی طبقات غیرپرولتری در میان طبقه کارگر، و وجود گرایش اکونومیستی و دنباله روی در میان این طبقه" تأکید کرده است. این مطلب جمع‌بندی همین واقعیت است که

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمیته‌های خود را بانک ملی ایران به حساب بانکی زیر واریز نمایید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر شماره حساب ۴۵۳۶۸

رفقای حزبی، هواداران رنجبران! مبارزه‌ها در جبهه مالی بامشکلات روبروست قریب یکماه بیشتر به موعده مقرر برای جمع آوری یک میلیون تومان نمانده‌است باید طبق یک برنامه‌های دقیق و حساب شده به جنگ برای رفع این مشکل برخاست. هیچ مشکلی نیست که آسان نشود اما شرط دارد. اولین شرط آزاده‌ها ما برای از بین بردن مشکل است. باید مصمم شد این وظیفه مهم را به سرانجام رسانید. دومین شرط بسیج توده‌هاست. بدون توده‌ها، هر قدر هم مصمم و بااراده باشیم کاری نمی‌توانیم بکنیم. در آخرین تحلیل این توده‌ها هستند که سرنوشت کار را تعیین میکنند. آیا ما قادریم تا یکماه دیگر به هدف یک میلیون تومان کمک برسیم؟ جواب را به شما خواننده متعهد رنجبر واگذار میکنیم.

کمک مالی رسیده: همدان: آقای ح.ح، ۱۰۰۰ ریال - خانم ب.ر، ۷۰۰ ریال - خانم م.ر، ۲۰۰ ریال - آقای غ.ر، ۱۵۰۰ ریال - آقای ع.ر، ۴۰۰ ریال - خانم ط.ب، ۵۰۰ ریال - خانم ت.گ، ۲۲۰ ریال - تهران: خانم ع.ع، ۵۰۰ ریال - آقای ر.ع، ۱۰۰۰ ریال - خانم ف.ن، ۲۰۰۰ ریال، با بلسر: یکی از هواداران حزب ۱۵۰۰ ریال.

مبارزه طبقاتی خود هم دچار شتابزدگی شده و عللاً باعث جدا شدن کارگران نسبتاً فعال از توده‌های زحمتکش گردیده‌اند. در مقابل این اپورتونیزم "چپ" اقتصادگرایی، یک جریان انحصار طلبی و چاق‌داری زیر پوشش اسلام شکل گرفته است که بشیوهی خود یعنی دادن پاره‌های امتیازات اقتصادی به قشری از عناصر کارگری (ایجاد نوعی اشرافیت کارگری) و اعمال زور و بکار بردن چماق اخراج و غیره - تلاش کرده تا طبقه کارگر را از رسالت تاریخی اش منع کنند. امروز هر دوی این گرایش‌ها اقتصادگرایی "چپ" و چماق‌داری به اصطلاح اسلامی توانسته نسبتاً طبقه کارگر کشور ما را به حالت غیر فعال درآورد. هر دوی این گرایش‌ها از آن طبقات دیگر است، از ایدئولوژی غیر پرولتری منشاء گرفته و بطور عینی به طبقات دیگر خدمت مینماید.

ظاهراً اصلاح کردن این جبهه ضروری است. هدف آتی روسیه و عمال آن در ارتباط با نیروهای اسلامی توطئه علیه سازمان مجاهدین خلق از سوی وعلیه حزب جمهوری اسلامی از سوی دیگر است. در مورد سازمان مجاهدین مطلب روشن است. خط آشکارا شرق گرای افرادی از رهبری سازمان که تا حد توجیه تجاوز شوروی به افغانستان پیش رفته‌است، شاهراه وسیعی است برای نفوذ روسیه و عمالش به درون سازمان و رهبری آن.

در مورد حزب جمهوری اسلامی، این حزب، علیرغم موضع نهرقی نه غربی حاکم بر آن علیرغم تبلیغات شدیداً ضد روسی و ضد حزب توده که در روزنامه ارگان خود به پیش میبرد، بعلت وجود گزایشات قدرت طلبانه در صفوف آن، و بعلت عدم درک درست برخی مسایل مبارزه ضدامپریالیستی به دلیل موضع ضعیف خود در دعواهای میان حاکمین، گهگاه به مدارا جویی نسبت به ابرقدرت روس کشانده می‌شود. تظاهر این کشانده شدن به موضع شرق گرا به روشنی در سرمقاله‌های "ابوزینب" در روزنامه "جمهوری اسلامی" مورخه ۱۹ و ۲۰ خرداد دیده میشود (رجوع شود به "رنجبر" ۲۷ خرداد). رشد چنین نظراتی در بجه امید است برای توطئه‌گری روسیه و عمال آن. دوستی باند کیانوری و عمال روس با حزب جمهوری اسلامی و مذاکره با اصطلاح دوستانه رهبری غاصب سازمان چریک هابادبیر کل این حزب عمدتاً از این زاویه قابل درک است.

رهبران "جمهوری اسلامی" اشتباه بزرگی مرتکب خواهند شد اگر به نیات باصطلاح حسنه مزدوران روس که به قیافه‌های مختلف ظاهر میشوند سرسوزنی باور کنند. مزدوران روس، به شهادت عملکرد طولانی‌شان در قبال جنبش کارگری، جنبش کمونیستی بین‌المللی، جنبش رهایی بخش ملی در جهان، هدفی جز ایجاد انشعاب و تفرقه برای پیشبرد مقاصد پلید سلطه طلبانه خود ندارند. شعار آنها نیز مانند تمام استعمارگران تاریخ اینست: تفرقه بینداز و حکومت کن. نیروهای اسلامی استقلال طلب باید اوهام و خیالات واهی را در مورد روسیه به دور افکنند و در زیر پرچم نهرقی نه غربی متحد شوند و توطئه و تیرنگ‌های عمال ابر قدرت‌ها و بخصوص ابرقدرت حیل‌گر و متجاوز روسیه را نقش بر آب سازند.

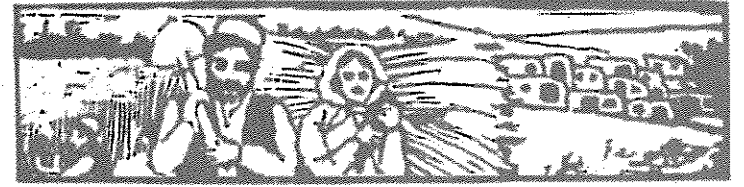
ضمن برافراشتن پرچم مبارزه علیه امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا با سوسیال‌امپریالیسم روسیه مرزبندی قاطع داشته و اجازه نفوذ وی و عمالش را بدون جنبش نمی‌دهند.

بار دیگر حمله به نشریه "خلق"

صبح دیروز، چاپخانه نصرت به جرم چاپ نشریه "خلق" ارگان سیاسی - تئوریک حزب ما از طرف دادستانی انقلاب برای مدت نامعلوم تعطیل و در آن لاک و مهر شد. مجوز مقامات دادستانی نداشتن پروانه انتشار برای "خلق" بود. نشریه "خلق" بیش از یک سال است تقاضای اجازه انتشار رسمی نموده و تاکنون دوبار، علیرغم قول اکید صدور پروانه رسمی انتشار از طرف وزارت ارشاد ملی، این نشریه از طرف دادستانی انقلاب توقیف شده؟ آخرین بار، "خلق" در حدود یک ماه پیش به اتهامات واهی توقیف شد. اندکی پس از آن، از طرف دادستانی انقلاب از "خلق" رفع اتهام گردید، لکن از صدور پروانه رسمی انتشار تا کنون خبری نیست.

در شرایطی که ارگان‌های انقلاب باید سرای غرق در مبارزه علیه ضد انقلاب و عمال دوا بر قدرت باشند توقیف چاپخانه و دستگیری کارکنان و کارگران شریف به جرم انتشار نشریه انقلاب و استقلال طلب مانند "خلق" انتشاری که مسئولین چاپخانه بر اساس اجازه نامه کتبی مسئولین وزارت ارشاد انجام میدادند، عملی است به زیان انقلاب و در جهت تشدید جو تحدید آزادی‌های نیروهای انقلابی و استقلال طلب جامعه. تعطیل چاپخانه نصرت که در آن "رنجبر" نیز به جاب میرسید، در عین حال تضییقات متعددی برای انتشار رنجبر نیز فراهم آورد که ما به اتکاء توده‌ها و اعضاء هواداران حزب امیدواریم که آنها را بر طرف سازیم. ما به این عمل شدیداً اعتراض کرده و خواستار آزادی فوری کارکنان و کارگران شریف چاپخانه نصرت و گشایش مجدد آن می‌باشیم.

کارکنان غیر از دونفر مسئولین چاپخانه آزاد شده‌اند.



قیمت گندم دولتی و مقاومت گندم کاران

گندمکاران حاضر به فروش گندم خود به دولت با قیمت کیلوئی ۱۸ ریال نیستند

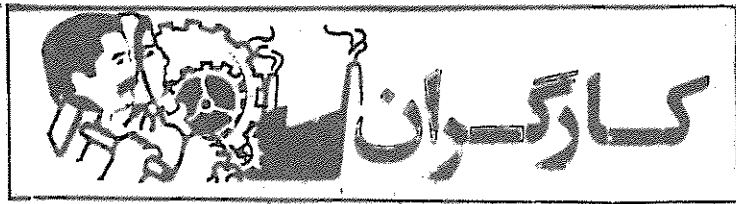
مدتی است که بر سر قیمت گندم بین تولیدکنندگان و مقامات دولتی درگیریهایی بوجود آمده است. نرخ دولتی گندم باعث ناراضی گندم کاران که قیمت تعیین شده ۱۸ ریال را عادلانه نمی دانند و واکنش در بین آنها شده است. بطور مشخص اکثر گندمکاران روستای "اجبارکلا" از حومه آمل پس از برداشت محصول برای فروش گندم خود به مقامات دولتی مراجعه میکنند ولی مسئولین قیمت خرید را ۱۸ ریال ذکر میکنند این امر باعث اعتراض شدید دهقانان گندم هار تا تحویل انبارهای دولتی داده و از دریافت پول امتناع میکنند و به روستای خود مراجعت مینمایند. آنان متذکر شدند که "موقع کشت ما گندم هار اکیلویی ۲۶ ریال از بازار خریداری نمودیم و با این همه زحمت دولت با قیمتی که تعیین کرده زحمات ما را نادیده گرفته و ما هم به هیچ عنوان حاضر به معامله با این قیمت نیستیم و حتی حاضریم از دریافت پول آن خودداری نمائیم.

مادر شماره های گذشته رنجبر طی مقالاتی به بیان بودن نرخ خرید دولتی گندم و اثرات مخربی که بر تولید گندم دلسردی گندمکاران داخلی دارد اشاره کرده ایم. آیت الله منتظری نیز در خطبه نماز جمعه در قم این مسئله را متذکر شده و از دولت و شورای انقلاب خواسته بودند که

شده از طرف دولت و غیر عادلانه بودن آن اعتراض کرده اند. اخباری که از مناطق مختلف کشور میرسد خبر از نارضایی شدید دهقانان از قیمت تعیین شده دولتی و مقاومت آنان در مقابل این عمل دولت میدهد. دهقانان بسیاری از مناطق اعلام کرده اند که اگر دولت تغییری در قیمت تعیین شده ندهد و آن را به نرخ دهقانان اضافه نکند آنها در سال زراعی آینده گندم نخواهند کاشت. با توجه به موقعیت حساس کنونی و احتیاج مریزی که به کشت گندم در داخل کشور داریم و با توجه به اینکه امپریالیسم امریکا ما را در محاصره اقتصادی خود قرار داده است و انقلاب ما از هر طرف در خطر تجاوز و تهاجم دوا بر قدرت امپریالیستی امریکا و شوروی قرار دارد، طبیعی است که دلسردی دهقانان و روگردانی آنها از کشت گندم، امر خطرناکی است که میتواند به استقلال میهن مالمطه های جبران ناپذیری وارد سازد. عدم توجه و گوش ندادن به فریادهای اعتراض گندمکاران داخلی نشانه لاتی و عدم احساس مسئولیت مسئولین مملکتی در قبال استقلال کشور است. تا دیر نشده است بنه های غفلت را از گوشه های خود بردارید و به صدای اعتراض دهقانان زحمتکش کشورمان که فریاد اعتراض خود را به برنامه های غلط و نادرست شما بلند کرده اند گوش فراد دهید. دهقانان حاضر نیستند گندمی را که برای خود

کارگران محروم کشاورزی را دریابید

کارگران کشاورزی بخش نسبتا وسیعی از جامعه زحمتکش کشور ما را تشکیل می دهند. ویکی از پایه های اصلی انقلاب در روستا هستند. بعد از پیروزی انقلاب در محافل مملکت کم و بیش حرف و صحبت های از رفاه مستضعفین و زحمتکش شد که بیشتر در حد همان حرف باقی مانده است. اما با این تفصیل حتی صحبتی هم از کارگران کشاورزی بمیان نیامد و انگار که چنین واقعیتی در مملکت وجود ندارد. این بی توجهی به زحمتکش واقعی و منافع آنها ناشی از یک دید ظالمانه و استثمارگرانه است که برای انقلاب خطرات جدی به همراه دارد. کارگران کشاورزی از ستم دیده ترین اقشار مملکت هستند که به کار مزدوری اشتغال دارند و بنا بر نوع کار کشاورزی بطور فصلی از محل محلی میروند و در نتیجه بطور ثابت بر روی زمین کار نمی کنند و اگر هم در مناطقی مسئله واگذاری زمین به دهقانان مطرح شود. به هیچ روی ارتباطی با آنها ندارد. آنها گماکان مشکلات و مسائل مربوط خود را دارند آنها به کارهای نظیر بیل زنی، وچین کردن، درو کردن، گوجه چینی میوه چینی و... می پردازند و در بین آنها افرادی از ملیتهای کرد، ترک و... دیده می شوند. بخشی از این کارگران کشاورزی بطور ثابت تر در واحدهای کشاورزی صنعتی مانند گاو داریها و مرغ داریها یا واحدهای مکانیزه کار می کنند. در مجموع این قشر زحمتکش دارای مشکلات زیادی است. حتی دیده شده است که د.



کارگران نامه به رنجبر گزارشی از بنیاد مسکن آبادان، بقلم یک کارگر

نامه ای را که در زیر میخوانید یکی از کارگران اخراجی بنیاد مسکن به دفتر رنجبر فرستاده است. "گزارشی از بنیاد مسکن آبادان از موقع شروع تا حالا. من کارگری هستم که در بنیاد مسکن آبادان کار میکنم. در حدود ۹ ماه از شروع کار بنیاد میگذرد. من از شروع در آن کار کرده ام. بنیاد

مسکن آبادان دارای ۱۵۰ نفر کارگر ساده و استادکار است. کار بنیاد در اوایل بسیار خوب پیش میرفت ولی بعدها یعنی این او کار بنیاد چه از نظر مواد اولیه ساختمانی و چه از نظر رسیدگی به حقوق کارگران درهم ریخته است. و از آنجایی که یک مسئول درست برای کار بنیاد نبوده تعداد کارگران به ۴۵ نفر رسیده است.

گفتگو با یکی از کارگران بیکار بندر خرمشهر به امید زندگی بهتر انقلاب کردیم، ولی تاکنون بیکاریم

پس از پیروزی انقلاب رفت و آمد کشتی هادز بندر خرمشهر کمتر شد. در این میان تعداد بیکاری کارگر حمل و نقل راه بهانه اینکه غیر رسمی بوده اند از کار بیکار کردند. امروز آنها در شرایط بسیاری زندگی میکنند. آنها بحق خواستار یک زندگی آبرو مندانه برای خود و خانواده هایشان هستند. در زیر گفتگویی را که خبرنگار "رنجبر در خرمشهر با یکی از کارگران بیکار انجام داده است میخوانید: اسم شما چیست و چند مدت بیکار هستی؟ خیلی وقته از قبل از پیروزی

رویش ۲۴ ساعته کار میکردیم و هر ۲۴ ساعت ۱۰۰ تومان به ما اضافه کاری میدادند. این راهم بگویم که ما اصلا بیمه نبودیم و حالا هم دو سال است که بیکاریم. این آقایانی که اینقدر از کرده ما کار میکشید ندیدیم ریال بیا حق بیمه بیکاری پرداخت نکردند. من حالا بیش برادرم زندگی میکنم که او خودش ۶۰۰ هزاره دارد که جمعا با مادرم ۹ نفر میشویم که در یک اتاق تنگ و تاریک بسر میبریم. البته من تنها نیستم که وضع اینطور است. ماهی کارگر بودیم که در شرکتی بنام "فولادبر" کار میکردیم کار ما تخلیه بار سنگین

اکثر کارگران بنیاد مسکن کارگران بومی همان جا هستند. بنیاد مسکن آبادان در منطقه ای قرار دارد که در زمستان در اثر بارندگی و در تابستان به دلیل گرمای بیش از حد فشار زیادی به کارگران وارد میاید. حتی بعضی وقتها به کارگر گفته میشود که یک ساعت بیشتر کار نکن. بدون اینکه حقوق درستی به ما تعلق بگیرد. روز چهارشنبه سه نفر از کارگران بنیاد مسکن را که من هم یکی از آنها هستم اخراج کردند البته بدون دلیل منطقی به ما گفتند که کار نیست در صورتی که بنیاد باید ۷۲۰ دستگاه خانه بسازد و تاکنون در حدود ۵۰ دستگاه خانه ساخته شده و هنوز کامل نیست. کارگران بنیاد مسکن به دو دلیل یکی برای اینکه ما را اخراج کردند و دیگری بخاطر خواسته هایمان از مسئولین بنیاد مسکن شکایت کرده ایم. خواسته هایمان از این قبیل است. ۱- بیمه ۲- حق مسکن، ۳- حق اولاد، ۴- ساعت کار قانونی و غیره بوده است. و این خواسته های است که هر کارگر باید از آن برخوردار باشد. ما از روزنامه رنجبر میخواهیم که این نامه را در روزنامه رنجبر منعکس کند تا این بی مسئولیتیها برای مردم و مسئولین امر آشکار شود. متشکریم

بیمانکار فقط در فکر پول جمع کردن خودش و جمع کردن طلا و زیور آلات برای خانواده اش بود. در آن شرایط سخت که برای حیوانات هم ظلم بود. در گرمای ۵۰ درجه عرق میریختیم و کار میکردیم تا بالاخره انقلاب پیش آمد و ما هم مثل خیلی از برادران کارگر خود کار را در بندر خوابانندیم باین امید که به آن وضع خاتمه داده شود و آن زندگی که محمد رضای جلال برای ما کارگران درست کرده بود عوض شود و حق ما را بدهند. اما برعکس شد، ما که یکی دو ماه قبل از انقلاب اعتصاب کرده بودیم، همینطور تا حالا بیکار

خرید... ولی معلوم نیست که چرا مقامات مسئول ملگتی گوشان به این حرفها بدینکار نیست و حاضر به قبول واقعیتها نیستند.

روستای "اجبارکلا" تنها روستایی نیست که گندمکاران زحمتکش آن نسبت به قیمت تعیین

و خود دینیوی ۲۶ ریال بدران را خریداری کردهاند کیلویی ۱۸ ریال بهدولت بفروشند.

با افزایش معقول قیمت خریدگندم ضمن تامین رفاه گندمکاران داخلی بهتکحیم استقلال کشور خدمت کنید

خطر ریزش کوه جان اهالی این روستا را تهدید میکند

چندتن از استادان بخش راه ساختمان دانشگاه شیراز در مورد خطراتی که جان ۱۲۸ خانوار ساکن روستای سلطان ولایت در مرودشت فارس را تهدید می کند هشدار دادند.

در گزارشی که در این باره در روزنامه "خبر چاپ شده است به وجود سه برآمدگی "گرمه‌های مانند" در بالای این روستا اشاره شده که "تمامی از مواد تخریبی و فرسوده شده" کوه رحمت "وازنس خاک و نوعی گل سر شور تشکیل یافته است.

در این گزارش آمده است که: "یکی دو بار اهالی روستای این برآمدگی های گدرد که آبهای جاری شده از سنگهای آهکی کوه رحمت را بیابین منتقل می نماید و بدنبال آخرین بارندگی امسال که حوالی عید نوروز اتفاق افتاد تعداد یکی از برآمدگیها بهم خورد و مواد داخلی همراه با مقدار زیادی گل سر شور به حرکت درآمده است... حرکت این قسمت از کوه با وجودی که سه منزل را ویران نموده است ولی به علت سرعت کم خوشبختانه خسارت جانی به بار نیآورده است... حجم خاکهای جا بجاشده حدوده ۲۵ هزار متر مکعب تخمین زده میشود."

روستائیان «گزار» صاحب ۳۲۵ هکتار زمین شدند

در روستای "گزار" مدتها بود که بر سر زمین هایی که بخشی از آن متعلق به جنگلیانی بوده و بلااستفاده مانده بود بخش دیگر توسط حاجی حسین نادری و چند نفر دیگر از زمین خوارانی غصب شده بود، کشمکش بود، اعضای شورای ده و معلم چند بینه روستا (شیرزاد لطفی نیا) وهم چنین سپاه پاسداران و جهانباد سازندگی در این راه فعالیت زیادی نمودند تا بالاخره در تاریخ ده اردیبهشت روستا به ۱۳ گروه تقسیم شده و به هر گروه ۲۵ هکتار زمین واگذار شد. همچنین آبهای زراعی روستا نیز که توسط همان زمین خواران غصب شده بود بین روستائیان تقسیم شد و به هر روستایی ۴ ساعت آب تعلق گرفت.

البته هنوز روستا با کم آبی روبروست و مسئولین باید جهت بالا بردن کشت و تولیدات کشاورزی این روستا در فکر تاه مین آب زراعی باشند.

کار می کنند و در قبال این زحمت دستمزد ناچیزی دریافت می دارند. ضمن اینکه از هیچ رفاهی هم برخوردار نیستند. نبودن یک حداقل دستمزد هم برای این فشر زحمتکش باعث شده که درجه استثمار در مورد آنها بسیار بالا باشد. بطور نمونه در بیلاقتات اطراف تنگابن عدهای از کارگران، پرورش و نگهداری ۴۰۰ رأس گاو یک حاجی بازاری رابعده دارند که ماهانه مبلغی در حدود ۸۰۰ تومان دریافت می کنند. خوراک روزانه آنها هم بای صاحبکار است اما در عوض این مزد، از صبح زود تا ساعتهائی از شب رفته به سختهترین کار ممکن یعنی چرای گاو و دوشیدن و پرورش آن در کوهستان های سخت منطقه مشغول هستند.

جنین مناطری در محیط روستای ماکم نیست. فراوانند دروگرانی که از ناحیهای پناحیه دیگر روند و بسا زحمت زیاد کار طولانی روزانه دستمزد ناچیزی دریافت می دارند و باینکه با سخت ترین زمینه کار روبرو هستند، از ابتدائی ترین حقوق محرومند مشکلات ابتدائی آنها بدین ترتیب است:

- ۱- نداشتن یک حد روزانه کار بطوریکه کار روزانه این کارگران خیلی بیشتر از حد معمول است و گاهی تا ۱۲ ساعت روزانه کار میکنند.
 - ۲- نداشتن یک حداقل دستمزد کافی که منجر به این شده است که بینه نحو شدیدی استثمار شوند.
 - ۳- نداشتن یک حقوق معین اجتماعی کار که در نتیجه باعث شده است در محیط کار تحت سخت ترین فشار و ستم و محدودیت از جانب کار فرما قرار بگیرند.
 - ۴- نداشتن حق بیمه و بهمهراه آن نداشتن هیچگونه امکان رفاهی در زمینه بهداشت یا مسکن یا حقوق بازنشستگی و غیره.
- بعد از پیروزی انقلاب انتظار بر این بود که به این مستضعفین واقعی توجه شود. اما متأسفانه هیچ توجهی به آنها نشد و نتیجتاً در زندگی آنها هیچگونه تغییری حاصل نگردید. روشن است که در صورت ادامه پیدا کردن این وضع ارکان انقلاب دچار تزلزل و سستی خواهد گردید. در حالیکه مبارزه ایست زحمتکشان برای دست یابی به حقوق حقه خود ادامه خواهد یافت. اگر این مبارزات در ابتدای راه خود جوان و پراکنده است مسلماً این نتیجه گساز یکپارچگی و وحدت بر خوردار گردد و در چنین صورتی پیروزی آنها قطعی است.



قبل از انقلاب چکار میکردی؟ توی کشتی کار میکردم، رانندگی جرتقیل، نگهبانی و هرکاری که میشد. تورسمی بودی؟ نه والله پیمانکار هیچوقت ما را رسمی نمیکرد تا بتواند راحت ما را از کار اخراج کند. چقدر حقوق میگرفتی؟ روزی ۵۰ تومان البته وقتی کشتی باری بیشتری داشت و در بندر میماند ما

های آن بود. کارکردن در این شرکت برای کارگران بسیار سخت بود. اغلب کارگران در حین کار یازخمی میشدند یا عضوی از اعضای بدن خود را از دست میدادند که در اینصورت وای بحال کارگری که دست با پای خود را از دست میداد چون باید تا آخر عمر خانه نشین شود. و محکوم است که بدون حقوق در سخت ترین شرایط زندگی بکند.

ساکنان آپارتمانهای میدان فردوسی - مشهد: هی میگویند مستضعفین، دستضعفین والله ما از همه مستضعف تر هستیم

هر چند روز یکبار میایند و ما را تهدید میکنند که اینجا جای شما نیست والان گروه ضربت میریزد و شمارا بیرون میکند!

در زمان رژیم گذشته توسط ولیان خائن یک سری آپارتمان در نزدیکی میدان فردوسی مشهد ساخته شد که همگی بسیار شیک و آروسایل رفاهی خوبی برخوردار بود. این آپارتمان ها هر کدام حدوده ۱ طبقه است. بنغد از انقلاب عدهای از زحمتکشان که واقفا "خانهای برای زندگی نداشتند به این محل آمده و در آنجا مستقر شدند. زمانی که پای در دلدل آنها نشستیم همه آنها حرفهایی یکسان میزدند زیر مسئله و درد مشترکی داشتند. آنها میگفتند: ما واقفا از مجبوری و ناچاری آمده ایم اینجا و همانطور که زندگیمان رامیبینید آهی در بساط نداریم. هرکس از دور این آپارتمانها را ببیند خیال میکند اینجا چه خبر است و چه کسانی زندگی میکنند در صورتی که میبینید ما حتی گلیمی برای زیرمان نداریم.

ما باید روزی چند بار این پلهها را بالا و پایین برویم. ما حتی آب هم نداریم و برای آب آشامیدنی و مصرفی هر روز باید از پائین آب بیاوریم در صورتی که ساختمان آسانسور داشته و حتی حاضریم با هر بدبختی شده بولی باهم دیگر تهیه کنیم و بدیم تا آسانسورها را بکار ببندازند.

ما حتی حاضریم یک تکه زمین خشک و خالی در هر نقطه شهر از طرف بنیاد مسکن و مستضعفان بدهند تا ما خودمان آنجا را بسازیم.

ما از دولت جمهوری اسلامی میخواهیم که بوضع ماریدگی کند. ما میخواهیم مارا از این بلا تکلیفی نجات دهند و وضع شرکت هایی چون "فولادیر" روشن شود که بالاخره میخواهند با کارگرانی چون ما چکار کنند.

از شما هم که این حرفها را در روزنامه میآورید ممنونیم.

پیروزی ۸۰۰۰ کارگر اعتصابی هتلها در آمریکا

کارگران هتلهای شهر "مینیاپولیس" در آمریکا که برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده بودند موفق به گرفتن ۱۳/۲ درصد افزایش دستمزد شدند. تعداد کارگران اعتصابی بالغ بر ۸۰۰۰ نفر میباشد. کارگران علیرغم خیانت رهبران اتحادیهها که در خلال اعتصاب از پرداخت وجه صندوق اعتصاب به کارگران و همچنین انتخاب کمیته مذاکره خودداری کرده بودند، برای "به ۱" موافقت کردند تا برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب بزنند. و سرانجام در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه موفق به گرفتن ۱۳/۲ درصد افزایش دستمزد شدند که مجموعاً ۴/۲ دلار در ساعت میشود. این اعتصاب اولین اعتصاب کارگران هتل در این شهر در ۲۸ سال اخیر میباشد.

رفجبر

ارگان حزب رفجبران ایران

ساحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری

مدیر مسئول: علی حجت

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال

خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۱۴

مناطقه پستی ۱۴۰۱-۱۴۰۱

تلفن ۸۴۰۶۹۱

۱۲۹۹
۱۳۵۹

شصتمین سالروز ایجاد حزب کمونیست ایران

سخنرانی رفیق علی صادقی عضو کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران (۲)

من زیر قسمت دوم سخنرانی رفیق علی صادقی، عضو رهبری حزب رنجبران ایران، در خانه تهران حزب، در تاریخ ۳۱ خرداد گذشته، به مناسبت سالروز ایجاد حزب کمونیست ایران است. قسمت اول این سخنرانی در رنجبر شماره ۶۸، ۳ تیرماه ۵۹، درج گردیده است.

در این مرحله حزب کمونیست بین ژانویه - مارس ۱۹۲۱ تزهائی را میدهد که در آنها اول اوضاع ایران را بررسی میکند، به نیروهای مختلف برخورد میکند و به نیروهای اسلامی برخورد میکند و حتی آنها را تقسیم به دو جناح میکند، جناحی که یک مقدار موقعیت اجتماعی بهتری دارند. اینها تا حدودی ارتجاعی هستند، فتوادل هستند و تا حدودی حمایت میکنند از دربار. در حالیکه جناحهای پائینی را اساساً ارزیابی میکند از درون خرده بورژوازی هستند. این یک تحلیل نسبتاً درست است. بهرحال حزب کمونیست در این دوره میگوید دوهدف نزدیک دارد:

۱- تامین اعتلا و گسترش نهضت آزادی بخش ملی که راندن امپریالیستهای انگلیسی از ایران و در ارتباط ناگزیر با آن سرنگون ساختن حکومت شاه هدفش است. قیام و گسترش جنبش آزادی بخش ملی بمنظور اخراج امپریالیستهای انگلیسی از ایران بطور جدا ناپذیری با آن مرتبط است. بدون آنکه بکمک مرئی نیروهای مسلح شوروی روآورده شود وباتکیه منحصر به نیروهای انقلابی ملی ایران، البته این قسمت اخیر، قسمتی است که در استاد حزب توده آنرا حذف کرده اند. در یک سند دیگر در واقع این را مطرح میکنند، برای اینکه اگر اطلاع داشته باشید آن موقع جنبش جنگل اوج گرفته بود تا حدی نیروهای ارتش سرخ به ایران آمده بودند و یک مقدار قرار داد با کوچک خان بستند. لیکن این یک دوره بعدی هست. و در همان جا هم تاکید میکنند که مابایستی با تکیه به نیروهای انقلابی ملی انقلابیان را

انقلابی ملی برای مبارزه علیه امپریالیستهای خارجی و دولت شاه. ج - سرنگون ساختن دولت شاه و ایجاد نظام سیاسی نوینی که از لحاظ شکل حکومتی شکل حکومت شوروی را داشته باشد بدون کنار گذاشتن خرده بورژوازی، و شرکت حزب در اصلاحات دولتی و اجتماعی که بدست دولت انقلابی جدید باید بعمل آید. حزب دولت جدید را باید بمبارزه با سرمایه داری جهانی سوق دهد.

در نکته ده این تزه آمده است: برای حل وظایف ذکر شده در بالا حزب کمونیست ایران از اقدامات بالا درباره اجرای تدابیر خالص کمونیستی در ایران امتناع میورزد و تاکنیک نزدیکترین دوره مبارزه خود را تا سرنگونی دولت شاه و طرد انگلیسیها از ایران برپایه اتحاد همه طبقات از پرولتاریا گرفته تا بورژوازی متوسط علیه قاجار و امپریالیستهای خارجی وهمچنین برپایه ارتباط نزدیک با حزب دموکراتهای چپ گروه شیخ محمد خیابانی که بیانگر خرده بورژوازی و روشنفکران است مبتنی میسازد. حزب کمونیست ایران (عدالت) ممکن و مطلوب میسازد که در دوره مذکور با حزب دموکراتهای چپ در انتخابات توافق حاصل کند و با آنها در بلوک انتخاباتی وارد شود. همچنین حزب کمونیست ایران برای خود مطلوب میسازد که با رهبران سرشناس نهضت آزادی بخش ملی از قبیل میرزا کوچک خان و امثال او همکاری کند. حزب کمونیست ایران خود را مجاز میداند که در انتخابات مجلس که از طرف دولت شاه اعلام میشود شرکت نماید و همچنین در خود مجلس نماینده داشته باشد ولی نه برای کار ارگانیک در آنها بلکه برای استفاده از تریبون مجلس برای مقاصد انقلابی و حزبی.

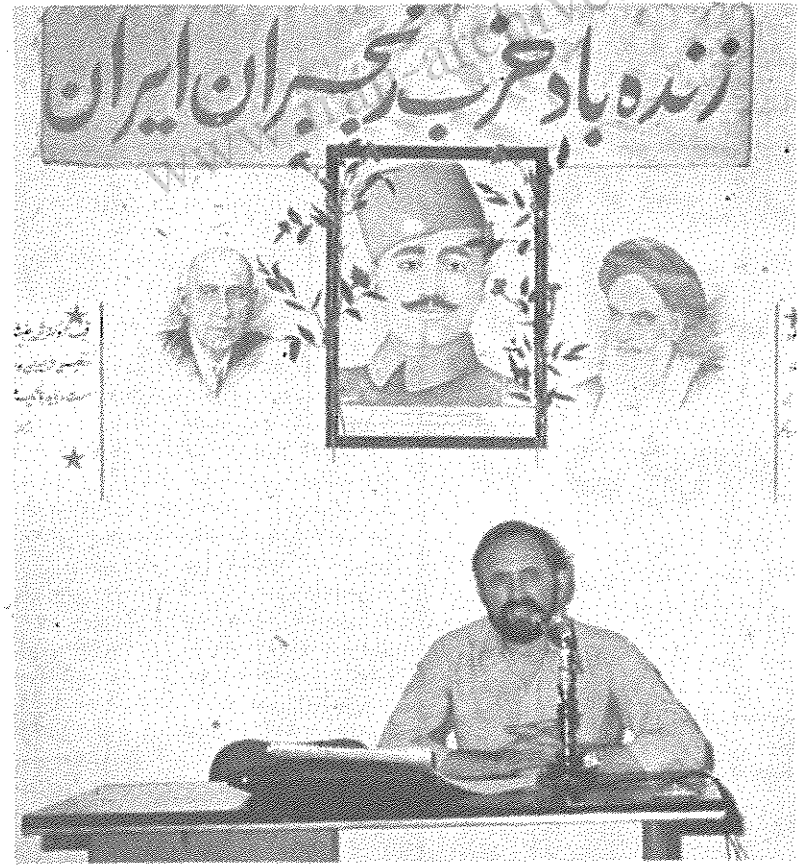
خوب اینجا رفقا می بینند که مطالبی را که متذکر میشوید تقریباً اساساً همان مطالب است که ما

که ۲۰ سال، ۳۰ سال تجربه است و در خیلی از کشورها انقلاب پیشرفتهای زیادی کرده است از جمله انقلاب چین وارد دهه آخر پیروزیش داشت میشد، مسائلی که رهبران حزب توده مطرح میکنند کاملاً از دید بورژوازی و حتی عقب افتاده تر از آن نکاتی است که سوسیال دموکراسی

دهنده پایه این حزب است. گفته میشود حزب کمونیست حدود ده تا ۱۲ هزار عضو داشت که این خیلی خوب است. برای حزبی که تازه تاسیس شده بود این نیروی کمی نبود لیکن پایه توده های این حزب را کمتر از ۲۰ هزار ذکر میکنند. یعنی اگر درست باشد برای هر عضو حزب

بایستی حداقل کمیت لازم را با خودش می داشت. چونکه ما میدانیم که هر کیفیتی بیانگ یک کمیت است و در هر کمیتی بیانگ کیفیتی متبلور است. یعنی با دو نفر نمیشود انقلاب کرد با دو نفر خیلی زور بزیم ما میتوانیم یک سیاست درست آنهم در مورد یک یا چند موضوع ارائه بدهیم ولی این سیاست درست بایستی در جریان مبارزه طبقاتی تبدیل به عمل انقلابی بدست کی صورت بگیرد؟ بدست انسانها بنابراین این ضعف حزب کمونیست در گذشته، ضعف پایه توده ایش و تا حدی پراکندگی که در گارش بود از جمله عواملی بود که در شکست آن حزب نقش داشت. عوامل دیگری نظیر مشی سیاسی و برنامه حزب نیز در شکست آن در جنبش جنگل نقش مهمی داشتند. ولی شکست آن یک شکست نسبی بود. حزب کمونیست در جنبش جنگل با شکست روبرو شد ولی حزب کمونیست در کس شکست نخورد. حزب کمونیست در سالهای بعد در جریان ده سال حکومت خفقانی که رضاخان بوجود آورده بود درهم شکسته شد و در آن دوره بعلت نداشتن پایه توده ای نتوانست خودش را حفظ کند و تدریجاً کادرها و اعضاء طرفدارانش از جمله بعلت برخی سبک های غلط و نادرست در مبارزه گیر افتادند. کافی است اشاره بشود در حدود سالهای ۱۹۱۰ دو هزار نفر از اعضاء و کادرها و سمپاتیهای این حزب در زندانهای رضاشاهی بودند و خیلی از کادرهای برجسته کارگریش در زندانها جان سپردند.

پس تا اینجا گفتیم که حزب کمونیست ایران از درون مبارزه زائیده شد و بطور نسبی خط مشی نسبتاً دقیقی در رابطه با پیشبرد انقلاب ایران ارائه داد. ولی هنوز جامعه ما و خصوصیات آنرا به اندازه کافی نمی شناخت. این



رفیق علی صادقی در خانه تهران حزب رنجبران ایران در حال ایراد سخنرانی در مورد شصتمین سالروز حزب کمونیست ایران. در بالای سر رفیق تصویر بزرگ حیدر عمو و علی بنیانگذار حزب کمونیست ایران و در دو طرف آن

ساده نگاه نکنند. فکرهاشان را بکار بیاندازند و در پرتو مارکسیسم - لنینیسم اندیشه ما ثونسه دون پراتیکهای کوچک را جمع بندی بکنند و کمک کنند تا از درون این مجموع پراتیکها، سیاستهای مشخصی برای کل حزب بوجود بیاید که با قانون مندی جامعه ماتابق داشته باشد. دیگر گذشت آن زمانیکه رهبران حزب بتوانند توی یک اطاق بنشینند و با خواندن چهار روزنامه و یا شنیدن چهار پراتیک یک انقلابی را که میلیونها آدم درگیرش هستند و پراتیک میلیون میلیون انسان در آن هست، یک چنین مبارزهای را این عصبه کوچک بسادگی جمع بندی بکنند. بنابراین این میلیونها پراتیک جمع بندی شده کوچک می خواهد که اینها باید متمرکز بشوند و تبدیل به سیاستهای مشخص بشوند که درست باشد، در توافق باهم باشد، در تطابق با قانون مندی رشد انقلاب ما.

در شرایط کنونی، این امر چطوری صورت میگیرد؟ یک راه بیشتر ندارد یک راهی که اساسی ترین راه است، راههای کوچک دیگری هم هست ولی همه در دور و بر این محور اساسی هستند و آنهاست که ما باید به میان توده ها برویم، در میان توده ها زندگی کنیم، در تمام امور با توده ها باشیم، از آنها کمک بگیریم. در عین اینکه دانش پراتیک مبارزه طبقاتی مان را که آنها به اندازه کافی ندارند بجز پراتیک محدود خودشان، این را ارائه بدهیم و در اینجا آموزگاری شایسته در خدمت یاد دادن به توده ها باشیم و نه بعنوان یک ارباب و یک کسی که فهم و درکش بالاتر از توده ها ست و میتواند به آنها حکم براند. در عین حال پراتیک توده ها را جمع بندی بکنیم و گوش فرا بدهیم به ندای توده ها.

رفقا خیلی از ما توی توده ها هستیم. آنها خیلی مسائل میگویند ولی ما بعلت عدم احساس مسئولیت کافی در برابر خلق یک مقدار مثل اینکه خوب بنه توی گوشه ایمان گذاشتیم نمی شنویم. مابایستی نظر انداخته توده ها میدهند بگیریم رویش

ملح سوروی یعنی اتنا به نیروی خود را در این جا بطرز درستش مطرح میکنند.

۲- در جریان مبارزه علیه امپریالیتهای انگلیسی، متحد و متشکل کردن دهقانان و مستمندان شهری و ایجاد خودآگاهی طبقاتی در آنان، تا پس از پیروزی بر امپریالیسم انگلیس بتوانند مبارزه ملی را به مبارزه طبقاتی و نهضت آزادی بخش ملی را به نهضت کمونیستی تبدیل کنند.

البته رفقا اینجا یک چیز کوچک بگویم راجع به مسئله ملی و مسئله طبقاتی. اینطور مطرح میشود که مبارزه ملی یعنی مبارزه علیه امپریالیسم و مبارزه طبقاتی یعنی مبارزه باصطلاح کار و سرمایه. ولی اگر کلی مطرح کنیم مبارزه ملی در کشور ما الان جزئی از مبارزه طبقاتی است. یعنی اینطور نیست که اینها دو تا مقوله کاملا جدا هستند. در مبارزه ملی ما چکار میکنیم علیه امپریالیسم و طبقات ارتجاعی مثل فئودالیسم مثل بورژوازی کمپرادور و وابسته؟ ما برای برانداختن سلطه اینها مبارزه میکنیم. بنابراین مبارزه ملی تا حدی مبارزه طبقاتی هم هست بنابراین جزئی از مبارزه طبقاتی هست.

موافق این هدف، حزب کمونیست ایران (عدالت) نزدیکترین وظایف خود را چنین مطرح مینماید:

الف- ایجاد عده زیادی کادر محکم حزب که بتوان بوسیله آنها رهبری مستقیم بر توده های وسیع طبقات زحمتکش را در دست بگیرند. ب- گرد آوردن همه نیروهای انقلابی کشور در اطراف حزب زیر پرچم آزادی بخش ملی بر علیه امپریالیستهای خارجی و مبارزه با دولت شاه که به خارجی ها فروخته شده است.

پ- تبلیغ و تهییج وسیع که چشم و گوش مردم را به نقش امپریالیسم جهانی در ظلم و تعدی بر توده های خلق و همچنین چشم مردم را به سیاست انگلیس باز کند و بدین ترتیب حتی نفرت آنها را علیه اشغالگران خارجی برانگیزد.

ت- کار تبلیغاتی دامنه دار در میان دهقانان و مستمندان شهری بمنظور ایجاد آگاهی در میان اینان، با مراعات اکید معتقدات مذهبی توده ها.

ث- کار تشکیلاتی وسیع بین طبقات زحمتکش. ایجاد اتحادیه ها و مساعدت و گسترش نهضت سندیکائی و تعاونی و دادن محتوی انقلابی و رهبری سیاسی آنها.

ج- ایجاد نیروهای مسلح

هنوز انقلاب مانوانسته این مسائل را حل کند و کشور را وارد مرحله دیگری بکند. همین ها هم معیارهایی هستند برای ما که کمک میکنند که ببینیم ادامه دهندگان واقعی سنت های حزب کمونیست کیست. من همانطور که در اول حرفهایم گفتم حزب کمونیست ایران از درون مبارزه بیرون آمد. گرچه بیوندش با توده ها ضعیف بود ولی هیچ وقت بیوندش را از توده ها قطع نکرد. رهبران این حزب اساسا در جریان مبارزه علیه رژیم منفر پهلوی سالهای بین ۱۳۱۰ - ۱۳۰۴ در زندانهای شاه و زیر شکنجه ها شهید شدند. ولیکن سلیمان میرزا محسن اسکندری همان کسیکه جناح میانه سوسیال دموکراسی را بوجود آورده بود، گفتم حزب دموکرات ایران را درست کرده بود و مدتی هم در زمان سلطنت رضاشاه توی مجلس بود و تا حدی هم همکاری میکرد با شاه، همین آدم البته بعدا کناره گیری کرد از کارش و در ۱۳۲۰ از بنیان گذاران حزب توده ایران بوده بهمین دلیل هم حزب توده ایران از همان دقیقه اول میبینیم که در رابطه با ادامه انقلاب کشور ما از هیچ یک از این ترهائی که در اینجا داده شد صحبتی بمیان نمی آورد. مثلا سوسیال دموکراتها حتی از حزب توده ایران پیشروتر بودند یعنی سوسیال دموکراسی که حدود ۴۰ سال قبل تشکیل شده بود این مسئله را مطرح کرده بود که زمین از آن کسی است که میکارد. ولی حزب توده در اولین برنامه ای که در کنگره اول تصویب کرد میگوید بایستی زمین ها را به دهقانان فروخت یعنی تا این حد در واقع یا فئودالیسم و بورژوازی وابسته که در آن موقع تحت هدایت محمد رضاشاه بر ایران حکومت میکرد، میخواهند وارد معامله بولی بشود، از جیب دهقانان زحمتکش ما راجع به جبهه واحد، حزب توده اساسا دیدگاه سکتاریستی داشت در حالیکه می بینیم در آن دوره که هنوز این تره اندازه کافی تصریح نشده بود و انقلاب در کشورهای مستعمره، و نیمه مستعمره و نیمه فئودالی یا وابسته اتقدر رشد نکرده بود که جمع بندی دقیقی بدست دهد یعنی در آن دوره که تازه انقلاب جهانی امتحان میکرد پیشرفت انقلاب را در جهان نیمه مستعمره، در این دوره حزب کمونیست قادر میشود این سیاست های مشخص را چه در رابطه با جبهه واحد، چه در رابطه با مبارزه مبارزه مسلحانه چه در رابطه با ایجاد ساختمان حزب، ارائه بدهد. در حالیکه در دوره بعد

انقلابی ایران در اوایل قرن بیستم گفته بود. حزب ما مطرح میکند مراجعه بکنیم که بین این خط و خطی که کمونیست های انقلابی در طی ۶۰ سال اخیر مطرح کرده اند پیدا کنیم، می بینیم که قرابت خیلی نزدیکی بین اینها هست. مثلا در کنگره حزب ما و یکبار دیگر در سومین نشست وسیع کمیته مرکزی ما که اخیرا تشکیل شد و مصوبات آن در رنجبر انعکاس پیدا کرد، مسئله کارگران و دهقانان و مسئله پیوند با آنها که ستون اصلی انقلاب، ستون اصلی جبهه واحد هستند، مطرح میشود و این را تاکید میکند که مبرم ترین و فوری ترین وظیفه ما این است که هر چه بیشتر بمیان توده ها برویم در شم و شادی آنها شرکت کنیم و در مبارزه طبقاتی و ملی آنها شرکت بکنیم و در این مبارزه کوشش بکنیم با بالا بردن آگاهی آنها، متشکل کردن آنها در سطوح مختلف کمک کنیم به اینکه حزب رهبری خودش را بر روی پایه محکمی استوار کند.

در آغاز گفتیم که پایه توده های لازم را که بایستی رویش قرار میگرفت نداشت و یکی از علت های شکست در سالهای بعد و از جمله در جنبش جنگل همین مسئله بود. آمارهای مختلف در دست است و هنوز مطالعه نشده در رابطه با گذشته جنبش کمونیستی و کارگری کشور ما این آمارها از دقت لازم برخوردار نیستند. مع الوصف بعضی از رهبران حزب در کنگره انترناسیونال سوم آماري ارائه دادند که حدودا "نشان

ملی شدن نفت ایران، به نشانه اعتقاد حزب ما به اتحاد بزرگ ملل، سه جریان اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی، و سوسیالیسم انقلابی دیده میشود.

تُرهای حزب کمونیست ایران در مورد جامعه آن زمان و وظایف کمونیستها در رابطه با آگاهی و تشکل توده ها، اتحاد نیروهای ملی علیه امپریالیسم اساسا به قوت خود باقی است.

حزب توده که خود را ادامه دهنده حزب کمونیست میدانند همه ترهای آنرا بدست فراموشی سپردند.

کمونیست اینها دو نفر طرفدار داشته اند. این کافی نیست ما باید شرایطی بوجود بیاوریم که هر عضو حزب کمونیست بتواند هزاران نفر را رهبری بکند چرا برای اینکه حزب پیش قراول سیاسی پرولتاریا است. حزب سیاسی پیشقراول پرولتاریا در همین کنگره بدین خصلت توده های دارد مثلا حزب کارگران - دهقانان شوروی (حزب بلشویک) موقعیکه انقلاب کرد حدود ۸۰ هزار عضو داشت در یک کشوریکه ۱۳۰ میلیون نفر در آنجا زندگی میکردند، یک حزب کمونیست چین ۳۰ میلیون عضو دارد بعد از اینکه الان حدود ۳۰ سال است قدرت را بدست گرفته و با ۸۰۰ میلیون جمعیت. بنابراین حزب کمونیست مرکب است از پیشروترین، آگاهترین، صادق ترین و وفادارترین نیروهائی که قوایشان را در خدمت پرولتاریا و توده های خلق بطور تمام و کمال قرار میدهند. در نتیجه اگر حزب کمونیست ایران در آن موقع ده هزار نفر عضو داشت حداقل انتظاری که از این حزب باید داشت این بود که اقلا هر عضو حزب ۱۰ نفر پایه توده های داشته باشد که یک پایه توده های صد هزار نفری از این حزب دفاع و پشتیبانی کنند. اگر در نظر بگیریم که تمام این نیرو در یک جا متمرکز نبود در تمام صفحات شمال کشور و همچنین در مناطق نفت خیز جنوب عضو و سمیت داشت بنابراین می بینیم که این حزب با این نیرو با این پراکندگی آنها در یک جامعه - ای که شدیدتحت رقابت دو قدرت بزرگ آن دوره بود (یعنی روسیه تزاری و انگلستان امپریالیستی و استعماری) در چنین شرایطی این حزب برای اینکه بتواند توده های مردم را پشت سرش داشته باشد

حزب و کادرهای حزب از حزب کردند و معتقدند که هنوز حزب دوران کودکیش را طی میکند و شناخت کافی از جامعه ما و خصوصیات آن ندارد. در نتیجه در عین اینکه سیاستهای عام را که ناشی از تلفیق مارکسیسم - لنینیسم با شرایط مشخص جامعه ما بود در سطح کلی تاحدی حل کرد ولی به سیاستها و برنامه های مشخص که میرسید در آنها هنوز تجربه نداشت چون این جا احتیاج به تجربه مستقیم خودش بود. اینجا لازم بود که حزب در جریان مبارزه شرکت بکند. مثل یک کودکی بلند میشود، می افتد، باز هم بلند میشود می افتد. باید آزمایش بکند و تدریجا این تجارب را بسطح سیاستهای مشخص برساند و آنها را دوباره ببرد در صحنه عمل و بکار بندد. به همین علت یک مقدار در سالهای بعد دچار مشکلاتی میشد و که ناشی از نداشتن پراتیک در جامعه و یک مقدار بکار بستن آن پراتیک های بود که اساسا بطور مشخص در روسیه انجام گرفته بود که بیشتر یک کشوری بود نسبتا صنعتی و قانونمندی های انقلابش هم یک قانون مندی انقلاب سوسیالیستی بودند در حالیکه قانون مندی انقلاب ایران کشوری که شاید در آن دوره اکثریت ۹۵٪ مردمش بیسواد بودند، روشنفکر در آن کم بود و صنایعش هنوز رشد نکرده بود و پرولتاریای آن هنوز از یک استواری برخوردار نبود، تفاوت داشت. بهمین دلیل حزب ما از این تجارب حزب کمونیست درس گرفته و میکوشد تا در پیشبرد مبارزات ملی و طبقاتی جامعه ما به سیاستها و برنامه های مشخص دست یابد.

این روزها رفقا خیلی تلاش دارند و آرزو میکنند که حزب ما سیاستهای مشخصی در رابطه با پراتیک مشخص ارائه بدهد. این خواست درست و بجای است ولیکن این سیاستها را کسی برای ما بجا نگذاشته، سیاست هائیکه در گذشته بوده اساسا رویزیونیستی بوده، یا نظیر سیاست هائیکه حزب توده داشت و یا سیاستهای ما جراحیها و تارشیستی که توسط نیروهای باصطلاح چپ در دوره های بعد یعنی ۱۰-۱۵ سال اخیر بجای گذاشته شدند. سازمانهای تشکیل دهنده

حزب ما در عین اینکه در بین توده ها کار کردند لیکن پراتیک محدودی داشتند و این پراتیک شان هنوز به اندازه کافی قوی نیست. این امر ایجاب میکند تمام رفقاسی بکنند آن کار و عمل کوچک انقلابی را که انجام میدهند و این عمل با موفقیت روبرو میشود به آن بعنوان یک جریان

خیلی آجزیها است که از طرف توده ها گفته میشود منتها ما سیاستمداران و رهبران باندازه کافی لایق نیستیم که اینها را دقیقاً گرفته جمع بندی بکنیم و دوباره به پیش خودشان ببریم که حرف خودشان باشد. خیلی از ماها به محض اینکه مسئله ای پیش میاید سعی میکنیم این را از درون کتابها پیدا کنیم. سعی میکنیم به لنین مراجعه بکنیم به مارکس به انگلس - به ما تو به استالین رجوع کنیم و غیره. این راه نیست این یک قسمت کوچکی از راه است. ما باید بدانیم نقطه نظرات مارکسیستی چه هست. در رابطه با مبارزه طبقاتی این مشعل ماست منتها این مشعل را باید در مبارزه انقلابی توده ها در خدمت روشن کردن راه مبارزه قرار داد و گرنه مبارزه بصورت کورکورانه جلورفته و چه بسا باشکست حتی روبرو می گردد و تئوری هم بیفایده خواهد ماند.

اوقتی که رفقا رفتیم شرکت کردیم در مبارزه طبقاتی و زندگی توده ها دقیقاً مسائلشان را درک کرده و خواهیم توانست در پرتو تئوری انقلابی طبقه کارگر - سیاستهای مشخص مطابق با واقعیات عینی دست یابیم. رفقا در آستانه ی شصتمین سالگرد ایجاد حزب کمونیست بکوشیم با آموختن از فداکاری و جانبازی کمونیستهای راستین این فرزندان واقعی خلق، با آموختن از تجارب مثبت و منفی حزب کمونیست ایران، با برافراشته تر نگه داشتن سیاست اتحاد بزرگ ملی برای تحقق سه اصل خلق، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی به میان توده های کارگر و دهقان برویم و با بسیج هر چه بیشتر خلق حول سیاست دفاع از استقلال همه جانبه کشور، هر گونه مداخله و تجاوز دوا بر قدرت آمریکا و روسیه را در نطفه خفه سازیم.

مشکرم پس از خاتمه سخنرانی سوال و جواب میان سخنران و رفقای حاضر پیرامون زوایای مختلف تجربه حزب کمونیست ایران، و وظایف حزب ما در شرایط کنونی انقلاب، و تبادل نظر در محیطی گرم و رفیقانه پیرامون این مسائل انجام گرفت.



مصاحبه با مجاهدین افغانی:

بقیه از صفحه ۱

جنبش افغانستان احتیاج به کمک

همه جانبه دارد

رنجبر: شما در رابطه با خبر خودکشی ببرک کارمل یا تعویض وی توسط روسها چه نظری دارید؟
نماینده مجاهدین: خودکشی ببرک کارمل یک واقعیت است و از نظر ما صحت دارد. ببرک کارمل در یک تنگنای عجیبی قرار گرفته که جز خودکشی چاره دیگری ندارد. جمعه هفته گذشته او اقدام به خودکشی کرد که از طرف آشپز خلع سلاح شد. این بی‌وجدان باید بداند که حتی اجازه خودکشی هم به او نمی‌دهند.

رنجبر: از دولت ایران چه انتظاراتی دارید و دولت ایران چه کمک‌هایی میتواند به مجاهدین افغانی بکند؟
نماینده مجاهدین: راجع به مسائل کمک‌ها یا پشتیبانی‌ها نیکه دولت یا مقامات ذیصلاح ایرانی از جنبش‌های اسلامی افغانستان کرده‌اند تا حدی واقعیت دارد. البته ایران طرفدار جنبش مسلمانان افغانستان است، ولی متأسفانه جمعیت علمای حرکت انقلاب اسلامی افغانستان تاکنون با وجود انتظاراتی که دارد کمک‌هایی دریافت نکرده است. حتی در زمینه اقتصادی (کمک‌های مالی) حتی یک ریال در زمینه تنظیم نظامی از یک فننگ گرفته تا بالاتر هیچ گونه کمکی نتوانست. حالا در اختیار ما قرار نگرفته است.

در حالیکه دشمن مدرنترین سلاحها را در اختیار دارد، ما با ۲۲ هزار نفر مسلح در ۱۵۰ جبهه، غیر از تفنگ هیچ سلاح دیگری نداریم

ایران است؟

نماینده مجاهدین: هدف از تهاجم روسیه به خود افغانستان بقصد دست یافتن به بحر هند (اقیانوس هند) و تنگه هرمز و قدرت پیدا کردن از آن برای کنترل راههای دریائی و بخصوص راهها نیکه نفت ایران و خود خلیج فارس را به کشورهای غربی و مراکز صنعتی غرب میرساند است. در این زمینه البته اگر ایران به عنوان یک قدرت بخواهد در

البته اگر ایران بخواهد در مقابل تهاجم روسیه سدی باشد خطر تهاجم به ایران وجود دارد

مقابل تهاجم سدی باشد یعنی اگر ایران بخواهد از افغانستان دفاع کند خطر تهاجم به ایران هست برای اینکه اولین آروزی روسیه در تهاجم به منطقه دسترسی به آبهای دریای هند و راههای دریائی است. رنجبر: وضع جبهه‌های داخل پس از تهاجم یکماهه اخیر ارتش اشغالگر روسیه چگونه است؟

نماینده مجاهدین: راجع به جبهه‌های داخل افغانستان و تهاجم اخیر نیروهای روسی بطور خلاصه باید بگوئیم که روسها از پنج ماه گذشته که وارد خاک افغانستان شده‌اند هر کجا فرصت پیدا کنند، در هر منطقه‌ای که برایشان زمینه مساعد باشد بر علیه مجاهدین و مردم بی‌دفاع، بی‌گناه و بی‌پناه افغانستان به حملات وحشیانه دست میزنند. طبق معلومات دقیقی که داریم از روزیکه قوای اشغالگر روسی وارد خاک افغانستان شده‌اند متحمل ۴۵ هزار تلفات شده‌اند. با وجودیکه مجاهدین افغانی جز تفنگ چیز دیگری

رویدادهای جهان



اخبار کوتاه بین‌المللی

پس از تظاهرات و اعتصابات وسیع دانش‌آموزان و دانشجویان در غرب آفریقا، جنوبی در طول ماه گذشته، رژیم نژادپرست این کشور مواجه با موج اعتصابات کارگران مناطق صنعتی شرق آفریقا شده است. طبق اخبار یونایتد پرسیس سربسازان آفریقا جنوبی برای مراقبت از کارخانه‌های اتومبیل سازی شهر بندری "پورت الیزابت" با یونایتد پرسیس شهروان شده‌اند. سربسازان با پرتاب گاز اشک‌آور و تیراندازی با اسلحه‌های کوچک در سراسر کشور در سربسازان اعتصاب نمودند. همچنین در شهر کیپ‌تاون ۷ هزار کارگر سبزه پوست که در ۱۴ کارخانه اتومبیل سازی کار میکنند دست با اعتصاب و تظاهرات زدند. در طی حمله فاشیستی سربازان به تظاهرات ۴۲ کارگر گشته و ۲۵۰ نفر زخمی شدند.

آخرین لیست منتظران از طرف کمیته بین‌المللی المپیک حکایت از منفرد شدن هر چه بیشتر شوروی را نشان میدهد طبق لیست جدید فقط ۸۳ کشور در المپیک مسکو شرکت میکنند و در مقابل ۶۲ کشور المپیک مسکو را تحریم نموده و یا شرکت نخواهند کرد. اخیراً کشورهای گابن، نیجر و پاناما که قبلاً شرکت خود را در المپیک ۱۹۸۰ اعلام نموده بودند، موضع خود را تغییر داده و به صف تحریم کنندگان پیوسته‌اند.

رویدادهای اقتصادی

ناکامی ابر قدرت روسیه در آخرین برنامه ۵ ساله

ابر قدرت سوسیال امپریالیستی روسیه، دیوانه وار بسوی مسلح شدن هر چه بیشتر می‌رود تا در رقابت با ابر قدرت رقیب امپریالیسم آمریکا، بر سر تسلط بر جهان برتری داشته باشد. ابر قدرت روس برای دستیابی به این هدف دست به سازماندهی و توسعه یک اقتصاد جنگی زده است. به همین دلیل روسیه مجبور است مجموعه سیستم اقتصادی خود را به خدمت اهداف نظامی‌اش درآورد. سالهاست که روسیه با بحران تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی روبرو است. در حالیکه سالهاست که روسیه میلیاردها دلار کالای نظامی به کشورهای مختلف جهان می‌فروشد. بیش از ۶۰ درصد صنایع بزرگ شوروی مستقیماً در خدمت اقتصاد جنگی این کشورند.

شتابزدگی روسیه برای مسلح شدن هر چه بیشتر، سبب عقب ماندگی رشته‌های مهمی از اقتصاد شده است که مستقیماً با زندگی خلق این کشور مربوطند. آماري که اخیراً منتشر شده، نشان میدهد که اولاً رشته‌هایی چون کشاورزی و صنایع تولید کالاهای مصرفی همچنان در جا میزنند و در عوض توان و ظرفیت صنایع سنگین روسیه، مانند فولاد و صنایع شیمیایی، که اهمیت فراوانی در صنایع تسلیحاتی دارند، بهیچ وجه با هدفهای گستاخانه رهبران کرملین خوانایی ندارد. جدول زیر نشان میدهد که تولید صنایع شیمیایی ۷/۳٪ کمتر از میزان پیش بینی شده برای برنامه پنجساله ۸۰-۱۹۷۶ است. این رقم برای صنایع فولاد ۲/۴٪ است. این جدول، همچنین نشان میدهد که تنها در زمینه تولید گاز روسها توانسته‌اند ۵/۴٪ بیش از میزان پیش بینی شده تولید کنند و در بقیه رشته‌ها، که همگی از رشته‌های اصلی اقتصاد هستند، روسیه با کاهش فراوان روبروست.

سوسیال امپریالیسم روسیه، چاره‌ای ندارد جز اینکه در بحران‌های ذاتی سیستم سرمایه داری انحصاری دست و پا بزند. این ابر قدرت نیز مانند ابر قدرت رقیب - آمریکا - و مانند دیگر امپریالیست‌ها چاره‌ای ندارد جز اینکه برای خروج موفقی از بحران فزاینده‌اش، بار این بحران را هر چه بیشتر بدوش کارگران و زحمتکشان کشور خود و دیگر خلقهای جهان که تحت سلطه این ابر قدرت جنایتکارند بیندازد. اقتصاد جنگی امپریالیسم روسیه برای زحمتکشان شوروی استثمار بیشتر و رنج و مسکنت فراوانتر و برای مردم سراسر جهان از زیاده‌های جنگ را به ارمغان آورده است.

این جدول مقایسه‌ای است میان ارقام پیش بینی شده برای پایان برنامه پنجساله ۸۰-۱۹۷۶ و ارقام واقعی که در پایان سال ۷۹ این کشور به آن رسیده است.

تغییر	میزان واقعی در سال ۷۹	پیش‌بینی شده در برنامه ۵ ساله
تولید ناخالص ملی	۱/۹٪ -	۵٪
ذغال	۲/۴٪ -	۳٪
فولاد	۲/۴٪ -	۳/۶٪
کالاهای مصرفی	۲/۸٪ -	۴/۶٪

صنایع شیمیایی	۲۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲
نفت	%۵/۵	%۴/۶	%۰/۹
گاز	%۸/۵	%۸/۹	+%۰/۴
	%۱۰/۳	%۳	-%۷/۳

جلوی اجحاف گاراژدارها را بگیرد

پس از یکی دو سال رکود و کساد، جنب و جوش به بنادر کشور بازگشته و دوباره حمل و نقل رونق گرفته است. اکثر بنادر دریگماهی اخیراً کمبود کارگر بندر و کامیون روبرو بوده اند. نه کشیدن انبارهای بازرگانان ایرانی و شدت گرفتن بحران کمبود مواد اولیه کارخانه ها، بنادر کشور با سیل کالاهای وارداتی روبرو کرده است.

هزینه حمل و نقل بخش قابل توجهی از قیمت کالاها را تشکیل میدهد و به همین سبب توجه به مسائل این بخش و جلوگیری از سوء استفاده واسطه ها و اقشار انگلی، برای کاهش قیمت تمام شده کالاها و در نتیجه جلوگیری از افزایش قیمتها بسیار موثر است. گاراژدارها، از جمله این عوامل هستند که تنها با بارنامه نویسی و عرضه خدمات بسیار ساده در حدود ۸ - ۵ درصد از هزینه حمل را کمیسیون میگیرند.

حدود ۳۰۰۰ کامیوندار در بندر انزلی برای اعتراض به اجحاف گاراژداران از حمل کالا خودداری کردند. گاراژداران بندر انزلی ۵ درصد کمیسیون میگیرند و کامیونداران خواهان تقلیل این مبلغ به ۲ درصد هستند. در خرمشهر با اینکه کمیسیون به ۸ درصد میرسد و حتی برای حمل هر تن کالا، گاراژداران ۴۰۰ تومان از کامیونداران با بت بارنامه نویسی و ... میگیرند، حمل و نقل با اشکال چندانی روبرو نیست و فعلاً رونق دارد.

گاراژدارها حتی با دریافت این مبلغ گزاف، حمل بار را تضمین هم نمیکنند. بطور خلاصه حق کمیسویی که گاراژدارها از کامیونداران میگیرند، یک اجحاف آشکار به بخش بزرگی از حجتگهان کشور است. یعنی رانندگان و کامیونداران خرده پاست، اجحافی که رژیم مزدور شاه در برابرش بظواهر ساکت بود و در باطن طرف گاراژدارها را میگردفت. متأسفانه دولت جمهوری اسلامی هم تاکنون کوچکترین قدمی برای جلوگیری از این اجحاف بی رویه و متأسفانه مبین حقوق پایمال شده رانندگان و کامیونداران برنداشته است.

اگر وضع گاراژدارها به همین شکل بماند و هیچ مقامی جلویشان را نگیرد، بی شک پس از چندی با مقاومت رانندگان و کامیونداران روبرو خواهیم شد. مقاومتی که علیه ظلم است و به همین دلیل برحق است.

یکی از مسائل مهم جامعه، مسئله گرانی و کمبود کالاهای مورد نیاز مردم در بازار است. گرانی و افزایش مداوم قیمتها علاوه بر دلایل فراوانی که به مسئله ضعفهای تولید ملی و کاستیهای واردات بر میگردد، تا حد زیادی هم تحت تأثیر سودجوییهای سرمایه داران سودجو و انگل صفت است. سودجویی گاراژدارها یکی از همین عوامل است که سبب افزایش هزینه حمل و نقل و در نتیجه افزایش قیمتها میشود.

بیا نیه ای که از طرف وزارت اطلاعات دولت کامیون چپا در هفته قبل انتشار یافت، دولت ویتنا مرا در بکاربرد سلاحهای شیمیایی، گازهای سمی، داروی سمی و مسموم نمودن آب آشامیدنی در کامیون مجرم نموده، بیانیه ادامه میدهد که در منطقه "باول" در مرز کامیون - تا ییلند ۲۵ نفر کامیونی در عرض ده روز بعلت مسمومیت آب آشامیدنی درگذشتند. همچنین رادیوی کامیون اعلام نمود که چریکهای ارتش خمردنواحی پورسات یک قطار حامل سلاح و سربازان ویتنامی را منفجر نموده و ۵ نفر از مرموزدوران دشمن را کشته و ۸۰ نفر را زخمی نموده اند.

سلاحهای مدرن مثل تیربارها، تانکها و هواپیما مجهزند، تنها ۵ هزار شهید داده اند، حالا خودتان قضاوت کنید که شکست برای مسلمانهاست یا برای روسها؟ رنجبر: اخیراً روسها اعلام کرده اند که بخشی از نیروهایشان را از افغانستان بیرون میبرند یا برده اند نظر شما در این باره چیست؟ نماینده مجاهدین: این یک نبرنگ عوام فریبانه دیگری است که بخاطر نزدیک شدن به ایام بازیه های المپیک مسکو است و میخواهند مردم دنیا را اغفال کنند تا بطور آرمتری این بازیه ها را برگزار کنند و بعدش هم عملیات خود را برای رسیدن به اهداف خود دنبال کنند.

یکی از مجاهدین: ما آنها مروس نامه مردم (ما آنرا روس نامه خطاب می کنیم) در مورد اینکه ما از آمریکا کمک میگیریم را کاملاً رد می کنیم. ممکن است عده ای چنین کمک ها را دریافت کرده باشند اما چنین گروههایی در بین مردم افغانستان هیچ گونه پایهای ندارند. روس نامه مردم ملت و مردم افغانستان را متهم میکند که از آمریکا سلاح میگیرد ما این اتهام را رد می کنیم و حزب تسوده را نوکر سوسیال امپریالیسم روس میدانیم.

رنجبر: نظر شما راجع به اظهارات اخیر روسها به ایران چیست؟ آیا بنظر شما خطری از جانب روسها متوجه انقلاب

پشتیبانی سیاسی دولت ایران چیزی است واضح و آشکار که همه جهان از آن باخبرند. البته این حقوق مسلم مردم افغانستان است که دولت ایران از این جنبشها پشتیبانی نکند.

رنجبر: مشخصاً ذکر کنید که چه نوع کمک ها می شود نیاز مجاهدین افغانی است؟

نماینده مجاهدین: جنبشهای افغانستان احتیاج به کمکهای همه جانبه دارند. احتیاج به کمکهای فرهنگی، اجتماعی، ادبی، عرفانی، سیاسی و بخصوص کمکهای نظامی دارند. مثلاً یکی از این گروههای مجاهدین که جمعیت علمای حرکت انقلاب اسلامی افغانستان

رنجبر و خوانندگان

شب روی دیوار گلی خانه مان می نویسند مرگ بر حزب رنجبران و از این قبیل شعارها. ما پول نداریم با آجر حصار درست کنیم و دور خانه مان دیوار بکشیم وقتی هم روی دیوار خانه مان خط خورده و رنگی باشد آن هم بصورت زنده مجبوریم مقداری از وقت خود را صرف گل مالی دیوارها بنمائیم ما خسته ایم بخاطر کار زیاد وقت زیادی هم برای این نوع کارها نداریم این جور نوشتن ها بدمد خودشان میخورد، شعار بس است ما عمل میخواهیم ما احتیاج داریم که کسی به کارها مان سر و صورت دهد چرا که نوشتن این نوع شعارها درست نیست و دردی را هم دوا نمیکند چرا هواداران شان شناخت کافی ندارند؟ و در زیر شعارها شان کلماتی چون جفخا، سچفخا و غیره به چشم می خورد معنی این کلمات را بیچاره روستائیان بیسواد هرگز نمیتوانند درک کنند پس لاف کسی را برای ترجمه این لغات بفزستید تا معنای آن را برای ما تفسیر کنند. ما سختی های زیادی را در دوش مان حمل می کنیم فرصت برای گل مالی در این فصل پرکار نداریم. با درود به حزب رنجبران.

خیلی ممنونم
زنده باد ایران مستقل و آزاد
مرگ بر دشمنان ایران

عراق تجاوز میشود شب ها صدای سگان زنجیری بیگانگان که ازادیو های خارجی به انقلاب ایران حمله ور میشوند می شنویم. ما همین طور جان در عذاب بسر می بریم. به این چریکها بگوئید فکر نمیکنند با اعمالی که در این مدت انجام داده اند قضاوت مردم بر علیه آنهاست از یک طرف حرکت های ناشایست این سازمان ها و از طرف دیگر مکر و حیله قدرت های بیگانه و از طرف دیگر ناراضی ما از دست دولت. آخر ما با چه کسی درد و دل کنیم بغض همچنان گلویمان را می فشارد. با این کارها چهره نوکران بیگانه، آمریکا، ساواک خندان می گردد.

بروید با مردم زندگی کنید و از آنها یاد بگیرید و بدان ها بیاموزید ما به جای غذا با قلا خوردیم تا بجهامان را توانستیم بزرگ کنیم. این سفارش مرا بعنوان یک روستایی سده بپذیرید از امروز بیائیم منطقی فکر کنیم عده ای از هواداران چریکها در روستای ما می باشند آن ها خودشان را مترقی میدانند مترقی از نظر آنان کسی است که روزنامه "کار" را میخواند به آن ها بگوئید کار ما را مشکل نکنند. بجهبازی را کنار بگذارند به فرزندان خوب ما مارک نزنند همین الان با دست های گلی برگزشتیم. هر

پیام یک زن زحمتکش به حزب رنجبران ایران

برای کمک به روستائیان بخشی از کارهای کمک رسانی مثل دکتربه کارهای عمرانی، خدمت به خلق را به عهده گرفته اند. بچه های من نیز هوادار شما هستند ما نیز بخاطر خواست استقلال طلبانه تان از حزب پشتیبانی کرده چرا که وطن دوستی را نصف ایمان خود میدانیم از شما جوانان میخواهیم در رنجبر این پیام را به سازمان های دیگر برسانید بگوئید اگر خلقی کار میکنند مگر ما در صف خلق نیستیم؟ ما دهقانان محروم سالیان دراز زیر ستم سرمایه داران زالو صفت بوده و حال هم هستیم ما خواسته های به حق خود را گفته ولی هرج و مرج طلب نیستیم.

به دیگر گروهها و سازمانها بگوئید چرا ما زحمتگهان را از خود بیزار می کنند مگر ما جز خلق نیستیم من به خون تمامی شهدا سوگند میخورم که تمام مادرانی که بچه هایشان چه انقلابی، چه سرباز، چه پاسدار هستند از زندگی رنج می برند ما بکمبودهای اقتصادی و رفاهی (روغن - نفت - گرانی - بیکاری) روبرو هستیم و سخت رنج می بریم ولی تا مادامیکه نتوانیم مملکت خود را از دست بیگانگان خارج سازیم کمبودهای داخلی همچنان اوج می گیرد چون ببینیم از آمریکا حمله نظامی میشود از

من اهل یکی از روستاهای حومه بابل هستم. ما زنان همواره همراه مردان در مزرعه کار می کنیم زحمت می کشیم تا بتوانیم زندگی خود را اداره کنیم. کار مشکل کشاورزی و بچه داری و مسئولیت زندگی هر روز برایمان مشکلات فراهم میسازد. با این حال سعی می کنیم که بردشواری های زندگی فائق شویم.

من صاحب پنج فرزند هستم پسرم دبیرم گرفته رفته سربازی. باور کنید من وشوهرم شب ها آرام نداریم. قبول کنید، هر روز برایمان خبر میاورند حزب دیکرات ۱۰ پاسدار کشته، ارتش کردستان را بمباران کرده، در سنج درگیری بین فدائیان خلق و دولت چند کشته بجا گذاشته یا در فلان نقطه عده ای سرباز کشته شده و غیره ...

برای من و دیگر مادران درد آور است. من چندان سواد ندارم فقط این را میدانم هر کسی در این موقعیت به اختلافات دامن نزنند باعث کشتار فرزندان دلیر کرد، سرباز، پاسدار بشود فقط آب به آسیاب بیگانگان می ریزد. بخدا قسم آنان که نامه می نویسم تنم می لرزد و گریه امانت نمیدهد.

هواداران شما در روستای ما رابطه نزدیکی با روستائیان دارند آدم های صادق و خوبی هستند.

باحل مسئله آب، شالیزارهای مازندران را نجات دهید!

بی آبی، تولید برنج در مازندران را در معرض خطر قرار داده است

۱- عمده ترین دلیل کم آبی بالا رفتن سطح زیرکشت شالیکاری میباشد. مجموع زمینهای زیرکشت مجموعاً ۲۰٪ افزایش یافته که قسمت عمده آن مربوط به شالی است. سطح زیرکشت شالی ۳۰٪ افزایش داشته است. این خود امر خوبی برای رشد کشاورزی و رفع وابستگی است. علل افزایش سطح زیرکشت را میتوان در دلایل زیر زیر خلاصه نمود:

الف: افزایش بهای محصولات کشاورزی بخصوص شالی: در دو سال پیش شالی باری ۴۰۰ الی ۳۵۰ تومان بود. سال گذشته به ۸۰۰ الی ۶۰۰ تومان رسید و امسال باری ۱۲۰۰ تومان است. (هر بار حدود ۱۲۰ کیلو است).

ب: وجود بیکاری در شهرها و روستاها باعث جذب بیشتر نیروی کار به روستاها شده است.

ج: عدم ثبات مالکیت ارضی و مصادره زمینهای جدید: دهقانانی که زمینهای بایر و بعضی از مراتع را مصادره کردند زمین مربوطه را از ترس اینکه دوباره توسط مالک پس گرفته نشود تماماً زیرکشت و بخصوص شالی بردند، ولی بعثت فقدان امکانات محصول این زمینها ناچیز است.

د: بیبیمینی این امر خوب بالا رفتن سطح زیر کشت، نکات منفی نیز دربر دارد: زیرا که با سایر امکانات کشاورزی هماهنگتر نشد نکرده و باعث بوجود آمدن مشکلاتی در سایر زمینها شده است.

۲- علت دیگر کمبود آب، کاهش بارندگی در فصل بهار نسبت به سالهای قبل است. امسال در فصل بهار، روزانه بطور متوسط هشت میلیمتر باران باریده است. در صورتی که در سالهای پیش این رقم بمراتب بزرگتر بوده است.

در مجموع بطور متوسط بارش سالیانه تغییری نداشته است (حدود ۲۵۰۰ میلیمتر) ولی این بارندگی بطور عمده در فصل زمستان صورت

کم آبی مزارع مازندران بویژه شالیکاریها را شدیداً تهدید میکند. بالا رفتن زمین زیرکشت و کمبود بارندگی، کشاورزان زحمتکش این استان را در معرض نابودی دسترنج اندکشان قرار داده است. هکتارها زمین نشاء در حومه قائم شهر خشک شده اند اما اقدامی از جانب دولت صورت نمیگیرد. دهقانان این منطقه و منجمله قریه پائین رستم، بالارستم، ولوند، اوج تالار از این وضع خیلی ناراحتند. آنها میگویند تاکی باید به سبک قدیم کشاورزی کنند، زمینها خیلی پستی و بلندی دارد و برای همین آبرسانی به تمام سطح زمین مشکل است. این مسأله علاوه بر اینکه زحمتکشان مارادرفقر و تنگدستی بیشتری قرار میدهد، وابستگی کشور ما را به محصولات کشاورزی خارج بیشتر کرده و استقلال میهن عزیز ما را نیز بخطر میاندازد.

در این زمینه دولت جمهوری اسلامی هنوز اقدام موثر و چشمگیری انجام نداده است و زحمتکشان کشاورز ماکه در انقلاب فعالانه شرکت کرده و برای تحقق شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی به کوشش خود همواره ادامه میدهند از خود میپرسند چرا دولت انقلابی برای ما کاری نمیکند؟ آیا مادر هر نظامی محکوم به فقر و تنگدستی هستیم؟ چرا باید دولت انقلاب به این مسأله کسه هستی ما را تهدید و بربور ساخته است با بیعلاقگی برخورد نماید و چرا مسئولین امر فکر عاجلی برای این مسئله و بقیه مسایلی که کشاورزان نمیکند؟ در رابطه با مسائل فوق، حزب رنجبران ایران (بخش ساری) تحقیقاتی بعمل آورده است. در زیر مختصری از دلایل و علل این مشکل زحمتکشان بررسی میگردد.

بزنیم این چاه گفاف ۴۰۰ هکتار زمین را هم نمیدهد. باید این اقدام از جانب مسئولین صورت گیرد. اگر همینطور بماند ماجیزی نداریم بخوریم، مجبور میشویم با این گرانی سربه شهرها بگذاریم. چنانکه دیده میشود کشاورزان از چاههای متفای راضی نیستند چون مقرون بصرفه نیست. گل اطراف چاه پس از مدتی نفوذ کرده و لوله را سدود میکند که باید باز باخته خاک را بیرون آورد. پمپ آب گران و کمیاب است و استهلاک آنها زیاد است.

پمپهای نفتی - بنزینی موجود در ایران از نظر لوازم یدکی در مضیقه هستند. ساخت آنها بصورتی است که برای تعویض یا تاقان باید میل لنگ و شاتون هم عوض شود. این تعویض (که زیاد هم اتفاق میافتد) هزینه تعمیرات را بالا میبرد. سوخت، حفر چاه و خرید لوله و پمپ آب برای زمین های کوچک که محصول ناچیزی دارند اصلاً مقرون بصرفه نیست. بعثت گرانی این وسایل و این نحوه کسار،

کوتونی همانطور که بنی صدر در ساری گفت سد لار تأثیری بر بی آبی ندارد چون ساختمان سد بپایان نرسیده و تحویل نشده است. و آب بسیار کمی که در پائین آن قرارداد در سطح ثابتی است. یعنی بهمان اندازه که از یک طرف آب وارد میشود از طرف دیگر خارج میگردد.

راه حل مشکل بی آبی چیست؟ در درازمدت باید بهامرسازی توجه شود آقای بنی صدر قول داد که امر مطالعه ساختمان هفت سد در استان مازندران را که پرونده آنها مدتها را که مانده بود، دوباره پیگیری کند. همچنین ایجاد سه کانال ارتباطی بین رودخانه های "تالار"، "سیاه رود" و "هراز" نقش اساسی و تعیین کننده ای در آبیاری آینده مازندران خواهد داشت. این راه حل نیاز به زمان زیاد دارد و در عین حال اساسی ترین طریق حل مشکل بی آبی است.

زمینداران کوچک میتوانند این آبیهای سطحی استفاده بیشتری کنند.

راه حل سوم که ارزانتر است لایروبی کردن آب بندانها و جلوگیری از تخریب آنهاست و این عمل تا حد ممکن با بولدوزر و در غیر اینصورت با نیروی انسانی قابل اجراء است. بادر نظر گرفتن ماشین آلات را که در استان (اداره ماشینهای کشاورزی - اداره راه و ...) و نیروی کار غیر فعال موجود این عمل هم بی آبی را تقلیل میدهد و هم نیروی کار را بجریان میندازد.

و بالاخره برای سال جاری حفر چاههای کم عمق دستی اجتناب ناپذیر است. برای اینکار دولت باید به کشاورزان وام بدهد و نظارت کند که این چاهها برای حداقل ده هکتار شالی مورد استفاده قرار گیرد. مسائل فوق نشان میدهد که حل مشکل کشاورزی فقط با افزایش سطح زیرکشت مقدور نیست. باید بطور همه جانبه کلیه جوانب آنرا در نظر گرفت. غیر از مسأله آب بررسی شایسته برای هماهنگی بقیه جوانب (کود، بذر، سم، ماشین آلات کشاورزی، پول، بازار محصول و سیله حمل و نقل و ...) دولت باید یک برنامه ریزی همه جانبه بدون درخشش برنامه و بدون همه جانبه نگری کشاورزی و بقیه رشته های تولیدی مابین استقلال اقتصادی نخواهند رسید. و چنانکه خود دهقانان نیز اشاره کردند، در روستاها، موج مهاجرت بالا خواهد گرفت.

تخصیص هزینه های عمرانی برای رفع احتیاجات ساکنین این روستاها باید فوریت انجام پذیرد. خود آنها میگویند: "دولت ما قول میدهد بازسازی اقتصادی را از کشاورزی و روستا باهمریزی کند. اما در عمل در ازا ۶ میلیارد هزینه عمرانی نوسازی،

بقیه طبقه کارگر.
از صفحه ۲

صورت میگیرد نفی وجود طبقات، وجود مبارزه طبقاتی و طبقا وجود مبارزه سیاسی است. آنها هم از این طریق به نفی نقش نمونه وار طبقه کارگر در هدایت انقلاب کشور ما در مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر استقلال می بردازند. می بینیم هر دوی این گرایش ها در حقیقت یک وظیفه را انجام میدهند آنهم دور نگه داشتن طبقه کارگر از وظیفه تاریخی اصلی خود است.

در چارچوب مبارزه اقتصادی و در محدوده ی بحث درباره ستم کارفرمایان و حمایت دولت از آنان، در چارچوب مبارزه با جماعتداران کارفرما و مبارزه علیه شوراچی های قدرت طلب و غیره نمیتوان طبقه کارگر را به آگاهی سیاسی رسانید. ممکن است کسی مدعی شود که کار سیاسی را از زیر و در حوزه های چند نفری انجام میدهم. البته چنانچه این کار بخوبی میتوانست صورت گیرد کمکی به مبارزه علیه انحراقات بود اما متأسفانه خود این حوزه ها تحت تاثیر حرکت عمومی هستند و بجای اینکه آنرا تابع خود نمایند، به دنباله رو گرایش خود بخودی تبدیل شده اند. وجه بسا خود از بانینان مبارزه اقتصادی بوده اند. علاوه بر اینکه در کشوری که از یک انقلاب شگوهمند ضد امپریالیستی بیرون آمده و حرکت توده ای ضد امپریالیستی در جریان است، اشتباه بزرگی است که پیشروان طبقه کارگر، عناصر آگاه این طبقه، بجای غرق ساختن این طبقه در این مبارزات، بجای آگاه کردن این طبقه به رسالت تاریخی اش، در هدایت جنبش استقلال خواهی مردم بکوشد آنرا در چارچوب مبارزه اقتصادی زندانی نماید. این اشتباه را این فرصت طلبان چپ و راست بدان جهت دچار شده و میشوند که خدمتگزار بورژوازی هستند و از این طریق تلاش میکنند تا برخاستن سیاسی طبقه کارگر و ادامه ای انجام وظیفه اش یعنی مبارز پیشرو بودن در راه استقلال جلو گیرند.

آگاهی طبقه کارگر در چارچوب مبارزه ی یک کارخانه و در مناسبات بین او و کارفرما بالا نخواهد رفت. به قول لنین طبقه کارگر نمیتواند آگاهی خود را در مطالعه یک رشته مبارزه اقتصادی - بدست آورد، او باید در آن رشته به تحصیل بپردازد کسه مناسبات تمام طبقات را بیان میکند. این آموزش لنین برای کشور ما در زمان حاضر بمعنی تحصیل در رشته ی مبارزه برای استقلال و علیه امپریالیسم، مبارزه بخاطر دموکراسی و

اقتصادی طبقه کارگر، سیاستمدار خوب، رهبر سیاسی خوب و مدافع منافع سیاسی طبقه کارگر که همانا دفاع از کل انقلاب و کل طبقات و افشار انقلابی است، باشند و متأسفانه این وضع همچنان ادامه یافته است. چرا یک کارگر آگاه نباید ضمن دفاع از منافع صنفی کارگران کارخانه خود، مبارزی پیگیر و ضدامپریالیست رهبر سیاسی و سیاستمداری در کل که مدافع کل انقلاب است، باشد؟ چرا باید صحنه سیاسی را به عناصر بورژوازی واگذار کرد؟ چرا باید مجلس را تنها بدست بورژوازی سپرد؟ این یک توطئه بزرگ علیه طبقه کارگر است و بدست بورژوازی دارد بطور منظم پیاده می شود.

کارگران آگاه باید سیاست مداران عاقل واقع بین و دوراندیش طبقه کارگر باشند، آنها نباید خود را در چارچوب مبارزه صنفی خود، در چارچوب مبارزه اقتصادی زندانی سازند. آنها نباید به توده های کارگران کم بهاء دهند، باید برای آگاهی آنها شب و روز تلاش نمایند. آگاهی دادن به تمام طبقه امکان پذیر نیست مگر اینکه مبارزه آنرا با مبارزه عمومی همراه و دمساز سازیم. امروز کارگری را میتوان آگاه دانست که مبارزه اقتصادی را با مبارزه سیاسی و عمومی جامعه تلفیق دهد و رهبری خود را بعنوان یک سندیکالیست یا شوراچی تا سطح رهبری سیاسی در مبارزه جاری ضد امپریالیستی گسترش دهد.

سومین مسأله نقش نمونه وار کارگر عضو حزب رنجبران است. تا برده رنج، گنج میسر نمیشود. کارگر عضو حزب ما برای این که بتواند بخوبی وظایف حزبی را پیاده کند باید بمعنی واقعی کلمه "رنجبر" باشد. گنج برای ما رسیدن به هدف نهایی یعنی آزادی است. طبقه کارگر هنگامی بدان دست خواهد یافت که کل بشریت آزاد گردد و در جامعه ما اولین مرحله در این راه پیمایی طولانی شکست دادن دشمنان امپریالیستی و عمالش می باشد.

در کشور ما که در چند ماه اخیر نفاق و پراکندگی دامن گسترده، روحیه بدبینی مجددا پا گرفته، انحصار طلبی و قدرت طلبی خسارات بیشماری را برای انقلاب ما بیار آورده و امنیت عمومی زمین رفته و هرج و مرج در کلیه شئون جامعه دارد حال و پیر می گشاید، در چنین وضعی نقش نمونه وار کارگران حزب رنجبران تأثیر بسزایی خواهد داشت.

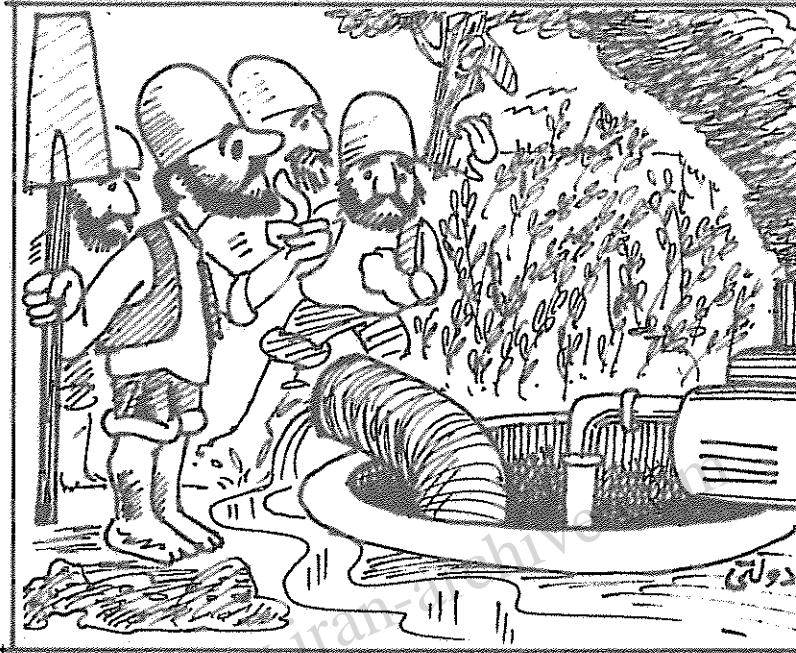
کارگران آگاه ما،

دست ندادن محصول حاصل از زمینها را به کشاورزان خود میگویند؟
کشاورزان خود چه میگویند؟
کشاورزان عمدتاً به سد "لار" بدبین هستند. این بدبینی آنها تا حدودی درست و تا حدودی تحت تاثیر شایعات ضد انقلاب است. احداث این سد در زمان طاغوت بمنظور تامین بخشی از آب تهران یعنی تقلیل مشکل تهران از طریق افزایش مشکل مازندران بود، که البته امر درستی نیست، اما در شرایط

احداث چندین حلقه چاه عمیق است. البته این طریق اولاً گران تمام میشود، ثانیاً "راه حل دائمی" اساسی نمیشود و ثالثاً "برای زمینهای کشاورزی کوچک قابل استفاده نیست. ولی بادر نظر گرفتن ضرب الاجل بودن مسأله از نظر سریع بودن طرح، خوب است. با تامین آب زمینهای بزرگ مجتمع (کاهکترا) در اختیار دولت و بنیاد مستضعفین (است)، نیاز این زمینهای بزرگ را از آبهای سطحی تقلیل میدهد و

انقلابی باشند و با هرج و مرج طلبی مبارزه کنند.
باید نمونه در وحدت بوده، دائماً به متحد کردن صفوف خلق پرداخته و علیه هرگونه تفاق افکنی و پراکندگی مبارزه نمایند. پرچم اتحاد بزرگ ملی پرچم راستین طبقه کارگر است.
باید پرچمدار مبارز و پیشرو ضد امپریالیستی بوده، با هرگونه تسلیم طلبی، سازش و انقیاد طلبی ملی چه به شرق و چه به غرب مبارزه نمایند.
باید در کار سیاسی در میان خلق سرمشق بوده، بطور مثبت بسه بسیج توده های وسیع خلق بخاطر از بین بردن مشکلات کنونی انقلاب بپردازند و توده های وسیع مردم را نسبت به خطراتی که در مقابل پیشروی انقلاب است، آگاهی دهند.
باید نمونه صداقت و درستی باشند. باتکبر، برخورد های آمرانه، دروغ گوئی و شایعه پراکنی به مبارزه برخیزند.

کرفت و معادازان در بهار بسیار تاجیز بوده است، بادر نظر گرفتن اینکه کشاورزی در فصل بهار بیشترین نیاز رابه آب دارد، بارندگی زمستانی عمدتاً به هدر میرود. این امر را میتوان با زدن سدهای ذخیره آب حل کرد و به امری خوب تبدیل کرد.
۳- سومین عامل بحران کم آبی، از بین رفتن آب بندانهاست. اکثر این آب بندانها در زمان طاغوت توسط مالکین و زمینداران بزرگ از بین رفت (مثل آب بندان دنگه سوک توسط شاهپور عبدالرضا و آب بندانی دیگر در نزدیکی قائم شهر توسط جواد سعید معدوم) آنها این آب بندانها را به زمین کشاورزی تبدیل کردند. قوانین رژیم سابق که بر علیه دهقانان و زحمتکشان بود، زمینداران بزرگ وابسته را مستثنی میکرد (مثلاً در مورد آب بندانها). متأسفانه در دوران پس از انقلاب بعلت هرج و مرج فراوان روستائیان خود را سا اقدام به تبدیل آب بندانها به زمینهای مزروعی کردند. هرج و مرج حاکم مانع شد که دولت در این مورد اقدام کرده و با اقتناع روستائیان قاطعانه از این عمل جلوگیری کند. بعضی از این آب بندانها هم که احتیاج به لایروبی دارند متروک شده اند. در گذشته لایروبی بانیری کار انسانی انجام میگرفت و مانع از تخریب آب بندانها میشد، ولیکن امروز با وجودیکه بولدوزر و ماشین آلات دیگر در دسترسند، این عمل انجام نمیگیرد. مناطقی که بیشتر در معرض خطر بی آبی قرار دارند، نواحی "علمدار" و "نور" میباشد. سطح زیر کشت در این مناطق بسیار بیشتر شده و بی آبی در آنجا به مرحله بحرانی رسیده است کشاورزان برای مقابله با این بحران اکثراً دست به احداث چاههای کوچک متهای زده اند و هر چند نفر با هم شریک شده و یک چاه میزنند. اداره آب که قبلاً در این مورد اشکال تراشی کرده و پروانه میخواست حال چشم پوشی می نماید. چون میدانند در غیر اینصورت مشکل بی آبی بیشتر شده و احساسات روستائیان علیه آنها تحریک خواهند شد.



رفاه زحمتکشان است. بمعنی آنست که طبقه کارگر باید خود رابه جریان عمومی جامعه ببندد، پرچمدار پیگیر مبارزه علیه امپریالیسم بوده، از اتحاد بزرگ ملی دفاع نموده و کلیه طبقات واقشار ضدامپریالیستی را متحد و متشکل سازد. بمعنی آنست که باید حزب سیاسی پیشرو خود یعنی حزب رنجبران را بطور همه جانبه گسترش دهد، صفوف آن را پاک و منزه نگهدارد. و در محافل کارگری این بدان معنی است که باید بحث درباره مناسبات کارفرما و کارگر را تاسط بررسی دوستان و دشمنان کل جامعه، دوران تاریخی گذار جامعه، استراتژی و تاکتیک طبقه کارگر برای عبور از این دوران تاریخی، اوضاع عمومی جهانی، مسایل جاری سیاسی داخلی و خارجی حکومت کنونی، مسایل مربوط به جنبش انقلابی جهانی و کشور و غیره گسترش یابد.

دومین نکته اینست که تنها یک سندیکالیست و شورچی بودن خوب کافی نیست باید وظیفه را تا سطح یک رهبر سیاسی ارتقاء داد. رژیم شاه با اینکه تلاش میکرد تا تمام سندیکاها را فرمایشی برپا دارد اما بهر حال درسهای آخر حکومت خود تن به قبول وجود سندیکا هاوسندیکالیستها داده بود. در جامعهی بورژوازی در کشوری مثل آمریکا اتحادیه های کارگری موجودند و رهبران سندیکالیست هم فراوانند، پاره های از آنها حتی صاحب نفوذ و اعتصاب راه انداز هم هستند. اما این محدوددهایست که بورژوازی برای طبقه کارگر معین کرده و عملاً طبقه کارگر را بزیر سلطهی خود درآورده است. با اینکه پس از انقلاب کشورمان، صحبت های زیادی از شوراهای ایجاد سندیکاها ی نوینی شد ولی در عمل از تشکل صنفی واقعی کارگران جلو گیری بعمل آمد.

امروز ما می بینیم که طبقه کارگر ما حتی از وجود تشکل مستقل صنفی خود محروم است. علت چیست؟ علت در درجه اول سیاسی است. طبقه کارگر در جریان انقلاب و پس از آن، فاقد حزبی بود که آنرا در عمل هدایت کند و با آن پیوند فشرده داشته باشد. حزب رنجبران ایران وسازمان های تشکیل دهنده آن، در آن زمان آن پیوند فشرده لازم را با این طبقه نداشت. در نتیجه سندیکالیست ها وشورچی هادر همان سطح باقی ماندند و نتوانستند سرچا خود را با اوضاع تغییر یافته دمساز نموده، علاوه بر سندیکالیست وشورا چی خوب و مدافع پیگیر منافع

دیروز امام خمینی در دیدار هفتگی خویش با مردم و در حضور اعضای انجمنهای اسلامی کارگران نطق مهمی را ایراد کردند. که نکات مهمی از آنرا در زیر میآوریم:
امام در این دیدار به آشوبهای مختلف درسراسر ایران اشاره کردند و گفتند آنها تیکه فراندوم جمهوری اسلامی ایران را تحریم کردند و حتی صندوقها را آتش زدند اکنون خود را طرفدار خلق ومجاهد وفدایی خلق جا میزنند. همین گروهها هر جا قرار شد اساسی بنیان گیرد غائله درست کردند و آشوب آفریدند و اکنون آمده اند و از جمهوری اسلامی دفاع میکنند امام افزوده اند که بعضی از اشخاص که با من مربوط هستند متوجه نیستند که آشوب و چماق ظاهر قضایاست. مسئله عمق دارد و در پشت همه جریانات دشمنان ملت اسلام پنهان است.
امام گفتند که من مطالبی را باید بهمه ملت وهمه روحانیون بگویم: من خوف این را دارم بعضی

سخنان امام

امام در مورد انجام کارها گفتند: البته که دولت اسلامی باید زمین خواران بی انصاف ومفت خورهای بزرگ راسر جایشان بنشاند. ولی این معنایش این نیست که پاسداران بریزند و هرکاری خواستند بکنند. یک جا بحق باشد و ده جایی حق، صدای مردم را در بیاورند. اینها (پاسداران) متوجه نیستند که یک اشخاصی آمده است توی آنها و خود را جازده اند.
امام همچنین در مورد نفوذ عمال اجانب در ارتش و جهاد سازندگی مطالبی ایراد کردند و افزودند که در همین جهاد سازندگی یک دسته ای پیدامیشود که بر خلاف موازین اسلامی کارهایی میکنند که صدای مردم را در بیاورند. توجه داشته باشید چه کسانی باسم اسلام خراب کاری میکنند. اگر عمامه سرش است خودمعمین او را بریزند کنار. در ارتش هم همینطور اگر کسی خرابکاری میکند وباسم اسلام خرابکاری میکند خود ارتشها باید او را کنار بزنند.

